

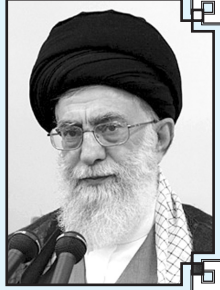
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

بازتاب «حکم قاطع»
رهبر انقلاب علیه
اهانت به زوجات
پیامبر» در رسانه‌های
عرب زبان



صفحه ۷

سال سی و هفتم ♦ شماره ۶ ♦ شماره مسلسل ۱۵۲۴ ♦ نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

هیکل کیست؟

استاد سید هادی خسروشاهی

محمدحسین هیکل در ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۳ میلادی در «باسوس» یکی از روستاهای استان «القلیوبیه» به دنیا آمد و در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۶ (۲۸ بهمن ۱۳۹۴) پس از ۹۳ سال زندگی، در قاهره درگذشت.

هیکل از سال ۱۹۴۲ م به عنوان خبرنگار و گزارشگری جوان وارد میدان مطبوعات و روزنامه نگاری شد و تا آخر عمر هم، علیرغم اشتغالات گوناگون دیگر، به آن وفادار ماند!... و شاید نخستین گزارش سیاسی - تاریخی مستند وی درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران باشد که هیکل



برای پوشش خبری حضوری - عینی حوادث، یک ماه در ایران اقامت نمود و گزارش‌های وی نخست در روزنامه معروف «اخبار الیوم» قاهره به چاپ می‌رسید و سپس مجموعه این گزارش‌ها در سال ۱۹۵۱ تحت عنوان: «ایران فوق برکان» - ایران بر فراز آتشفشان - به طور مستقل منتشر گردید که بدین ترتیب نخستین کتاب وی به شمار می‌ورد.

هیکل با نشر مقالات سیاسی پرمحتوایی به شهرت رسید و در سال ۱۹۵۷ م، سرپرستی و اداره مؤسسه الاهرام را که نخست نمی‌پذیرفت، قبول کرد و به مدت ۱۷ سال تمام، به عنوان سردبیر روزنامه و مسئول مؤسسه مطبوعاتی الاهرام فعالیت نمود و در این دوران، روزنامه الاهرام، یکی از روزنامه‌های دهگانه دنیا به شمار رفت. مقالات او که تحت عنوان «بصره» در الاهرام منتشر می‌شد و گاهی یک صفحه کامل آن را پر می‌کرد، سرانجام در ۵ مجلد بزرگ که شامل ۷۰۰ مقاله بود، به چاپ رسید.

هیکل در مؤسسه الاهرام تحول مطبوعاتی ویژه‌ای به وجود آورد و مرکز پژوهش‌های سیاسی و استراتژیک را، علاوه بر مرکز بررسی مطبوعات و مرکز تحقیق در تاریخ مصر معاصر را تأسیس نمود. در همین دوران هیکل مدتی هم سرپرستی مؤسسه مطبوعاتی «اخبار الیوم» و مجله هفتگی «روز الیوسف» را به عهده گرفت.

با توجه به اینکه هیکل کتاب کوچک «فلسفه الثورة» - فلسفه انقلاب - را تألیف نموده بود که به نام عبدالناصر به چاپ رسید، روابط تنگاتنگی بین دو برقرار شد و در واقع هیکل، به یکی از مشاوران نزدیک و مورد اعتماد وی درآمد.

و در همین رابطه، توسط عبدالناصر، به عنوان «وزیر ارشاد ملی» انتخاب شد که همزمان ریاست مؤسسه الاهرام و سردبیری روزنامه را به عهده داشت. و سپس مدت کوتاهی هم به عنوان «وزیر امور خارجه مصر» فعالیت کرد که زمان آن کوتاه بود.

عبدالناصر به طور ناگهانی محمد انور السادات را به عنوان معاون اول خود، علیرغم حضور سرهنگ حسین الشافعی رفیق قدیمی خود معرفی نمود و به همین دلیل پس از درگذشت ناصر، او به عنوان رئیس جمهوری مصر انتخاب شد و هیکل تا مرحله جنگ ۱۵ اکتبر و پیروزی ارتش و مردم مصر، با او همکاری داشت و حتی سخنرانی معروف سادات را که در ۱۶ اکتبر در مجلس ملی ایراد کرد، آماده و تنظیم نمود... اما پس از توافق سادات با هنری کیسنجر برای اجرای سیاست گام به گام درباره برقراری رابطه با اسرائیل از او دور شد و اخطار کرد که این برنامه، موجب برقراری روابط سیاسی با اسرائیل خواهد شد که به صلاح ملت مصر و دنیای عرب نیست! و در این راستا کتاب «خريف الغضب» پائیز خشم را منتشر کرد.

سادات در واکنش به این اخطار، در فوریه ۱۹۷۴ طی حکمی، هیکل را از روزنامه الاهرام کنار گذاشت و او را به عنوان مشاور عالی رئیس جمهوری، در قصر عابدين! منصوب نمود، اما هیکل در موقع ترک دفتر خود در روزنامه الاهرام، به خبرنگاران گفت: «رئيس البتة می‌تواند حکم اخراج مرا از روزنامه الاهرام صادر کند و اما تصمیم درباره اینکه من کجا خواهم رفت و چه کار خواهم کرد، فقط به عهده خود من است و من تصمیم دارم که فقط به تألیف و نوشتن بپردازم.» که مشروح این جریانات در کتاب: «هوامش علی قصه محمد حسین هیکل» تألیف ضیاء الدین پیرس، آمده است... و در همین راستا، هیکل مدتی هم مژه زندان سادات را چشید و شاید فهمید که زندانیان دوران حکومت ناصر، چه کشیده اند!... هیکل با توجه به اینکه مدت زمان درازی اسناد ریاست جمهوری مصر را در اختیار داشت، ده‌ها جلد کتاب مستند - تاریخی درباره مسائل مختلف مصر و جهان عرب تألیف و منتشر ساخت که بعضی از آنها به بیش از سی زبان دنیا ترجمه و منتشر شده است. تألیفات عربی او بر ۷۰ جلد و تألیفات او به زبان انگلیسی به ۱۱ جلد بالغ می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

آیت الله فیض گیلانی:

امام با مردم
صداقت
داشت



صفحه ۳

آیت الله تسخیری:

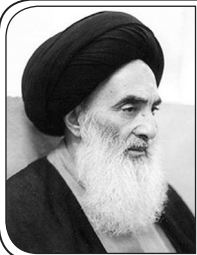
عربستان لایق
خادم الحرمین
نیست



صفحه ۷

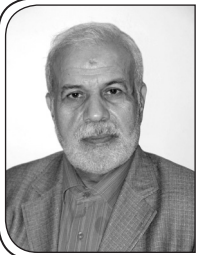
حجت الاسلام والمسلمین نواب:

آیت الله سیستانی
با فکر و نگاه
روشن در دنیا
حرکت می‌کند



صفحه ۸

نگاهی به
وقف از
منظری نوین



صفحه ۶

مهدی قربانی

نماینده رهبر شیعیان بحرین در ایران:

عقده گشایی آل خلیفه از علما به دلیل شکست ائتلاف سعودی در منطقه است

اقدام به سخنرانی کرده است، به یکسال حبس محکوم شده است. بنابر این می‌توان افزایش حکم حبس شیخ علی سلمان را مولود ناکامی‌های اخیر عربستان سعودی در منطقه و انتقام جویی از علمای دینی بحرین و نیز تشدید فشار بر علمای دین با هدف حذف آنان از صحنه سیاست دانست. **به موضوع ممنوعیت علما از انجام هرگونه فعالیت سیاسی با هدف حذف آنان از عرصه سیاست اشاره کردید. آیا نظام آل خلیفه در اجرای این سیاست موفق بوده؟**



خبرگزاری رسا: پروژه تهدید، سرکوب و بازداشت علما و روحانیان بحرین موضوع تازه‌ای نیست اما آنچه که جای تامل داشته و تحلیلگران مذهبی و سیاسی را با نگرانی مواجه کرده است، افزایش موج بازداشت شخصیت‌های دینی و مذهبی در چند ماهه اخیر است. برگزاری دادگاه‌های ناعادلانه و یا محکوم شدن حجت الاسلام شیخ علی سلمان دبیرکل جمعیت الوفاق به ده سال حبس نمونه آشکاری از ناعدالتی‌ها و ظلم علیه روحانیت در بحرین است. این مساله ما را بر آن داشت تا در گفت‌وگویی با حجت الاسلام شیخ عبدالله دقاق از علمای بحرین به بررسی

آخرین تحولات این کشور بپردازیم. آنچه که در ادامه می‌آید متن این گفت‌وگو است که تقدیم شما می‌شود:

نظام آل خلیفه در راستای سیاست سرکوب علما و شخصیت‌های دینی حجت الاسلام شیخ علی سلمان دبیرکل جمعیت الوفاق را بار دیگر حکم حبس وی را به ده سال تمدید کرد. رژیم منامه چه هدفی را از این اقدام دنبال می‌کند؟

نظام آل خلیفه در بحرین مدت زمان فراوانی است که تابع حاکمیت عربستان سعودی شده است. عربستان سعودی الان با مشکلات فراوانی از چندین جبهه و جهت مواجه است. در سوریه و عراق و یمن. رخدادهای فلوچه و پیروزی‌های الحشد الشعی در عراق و پیروزی‌های ارتش سوریه در حلب منجر شده تا عربستان سعودی با شکست خوردن در این جبهه‌ها، اقدامات خود در بحرین و یمن را تشدید کند از سوی دیگر نظام آل خلیفه نیز خود با مشکلات فراوانی رو به رو است. مانند اعدام، سلب تابعیت از مبارزان و انقلابیان و صدور حکم حبس برای فعالان سیاسی و انقلابی و افزایش مدت زمان حبس شیخ سلمان به ده سال هم در راستای همین حوادث تفسیر می‌شود. نظام آل خلیفه برای دور نگه داشتن علمای دین از عرصه سیاست و صحنه سیاسی کشور برنامه ریزی‌های فراوانی را انجام داده است. و در همین راستا نیز چندین اقدام صورت گرفته است که یکی از آنها صدور قانون ممنوعیت علمای دین از پیوستن به گروه‌های سیاسی و انجام فعالیت‌های سیاسی است. یکی از آنان ممنوع کردن مساجد و حسینیه‌ها از پرداختن به مسائل سیاسی است. یکی دیگر از این اقدامات ملزم ساختن علما به اخذ مجوز از نهادهای مربوطه برای انجام هرگونه سخنرانی پیرامون مسائل سیاسی و حکومتی است. در همین راستا شیخ محمد المنسی مسؤول پرونده مساجد تخریب شده بحرین تنها به این دلیل که بدون داشتن مجوز

علمای دین قلب تپنده امت اسلامی هستند و نه نظام آل خلیفه و نه هیچ قدرت دیگری توانایی حذف علما را از عرصه سیاست و مطالبه گری حقوق قانونی مردم ندارد. چند روز گذشته در اول ماه مبارک رمضان آیت الله شیخ عیسی قاسم در پیامی به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان بر ضرورت دستیابی به راه حل سیاسی برای برون رفت از مشکلات کشور تاکید و مردم را به مطالبه حقوق شرعی و قانونی خود دعوت کرده و از سوی دیگر نظام آل خلیفه را به شنیدن سخنان مردم فراخواند. این بیانیه خط بطلانی بر سخنان و اقدامات برخی مزدوران وابسته به حکومت بود که تلاش داشتند با اصلاح‌های ساختگی به تلطیف جو حاکم بر کشور بپردازند. از سوی دیگر اقبال مردم به سوی علما بسیار زیاد است. علما هم حضور فعالی در عرصه سیاست دارند و با صدور بیانیه حمایت خود از مردم را رسماً اعلام می‌کنند. فعالیت علما همچنان ادامه دارد با اینکه حکومت فشار فراوانی بر علمای دین می‌آورد. **بسیاری از علما مانند رئیس مجلس علمای اسلامی بحرین و ... که فعالیت سیاسی انجام دهند یا تبعید شده، یا تحت پیگرد قرار گرفته و یا اینکه بازداشت می‌شوند. آیا این سیاستی که حکومت بحرین در پیش گرفته است می‌تواند به حذف کامل شخصیت‌های دینی از صحنه سیاست منجر شود؟**

فشار بر علما تنها به افزایش محبوبیت آنان در میان مردم منجر خواهد شد. علما بر قلوب مردم حکومت می‌کنند. حکومت برنامه‌های خاص و یا فعالیت عالم خاصی را ممکن است تعطیل کند اما این اقدام باعث می‌شود که مردم با خود بگویند که اگر سخنان این عالم به حق نبوده و یا در راستای جامه عمل پوشاندن به حقوق مشروعه مردم نبوده، هیچگاه چنین برخوردی با آن نمی‌شد و این امر باعث اقبال بیشتر مردم به آن عالم و سخنانش می‌شود.

ادامه در صفحه ۸

این مطلب نگاهبست به فریادها، هشدارها و مواضع عالمان شیعه در برابر نفوذ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیگانگان در تاریخ معاصر که در دو بخش تقدیمتان می گردد.

آیت‌الله ملاعلی کنی و مبارزه با عهدنامه نفوذ
آیت‌الله ملاعلی کنی(۱۲۲۰ - ۱۳۰۶ق) فقیه فرزانه و مرجع عالی‌مقام شیعیان در قرن سیزدهم هجری، در مقابل روابط خارجی حاکمان قاجار بسیار حساس بود و درباره خطر نفوذ بیگانگان در فرهنگ، اقتصاد و سیاست کشور اسلامی ایران، به کارگزاران وقت هشدار داد؛ اما از آن سوی، میرزا حسین خان سپهسالار(مشیرالدوله) صدراعظم وقت ناصرالدین شاه قاجار برای تحقق اهداف شوم بیگانگان تلاش می کرد. از جمله خیانت‌های وی، اعطای امتیاز به بارون ژولیوس دو رویتر یهودی آلمانی است که به تابعیت دولت انگلستان درآمده بود.

صدراعظم مذکور به دلیل این خوش خدمتی رشوه کلانی از رویتر دریافت کرد و ننگ بدنامی و خیانت را به خود اختصاص داد. به موجب این قرارداد، تمام ثروت ملی ایران از جمله معادن و جنگل‌ها به این فرد بیگانه واگذار شد. آن امتیازنامه چنان شرم‌آور و پرعارضه بود که حتی لرد کرزن اعلام کرد: قرارداد رویتر، کامل‌ترین و غیرعادی‌ترین تسلیم تمام منابع یک دولت به دست خارجی است که شاید بتوان آن را در خواب دید و در تاریخ، کم‌تر نظیری دارد. ۲ تزار روسیه در ملاقات با ناصرالدین شاه قاجار، به وی گفت: اعلی‌حضرت با اعطای این امتیاز، تمام منابع ثروت کشورتان را در دست به بارون رویتر بخشیده‌اید، جز هوایی که ایرانیان برای نفس کشیدن لازم دارند که آن هم قابل معامله نبوده است. ۳

بعد از افشای ماهیت این قرارداد ننگین، روحانیت آگاه و بیدار به صحنه آمد و ضمن آگاه کردن مردم نسبت به این فاجعه شوم، به مقابله با چنین سند ننگینی پرداختند که آیت‌الله حاج ملاعلی کنی در این خیزش نقش برجسته‌ای داشت و افکار عمومی را به سوی لغو این امتیاز، هدایت کرد. ۴

آن فقیه فرزانه اعتقاد داشت که اجرای امتیاز رویتر موجب می‌شود اروپائیان به ایرانیان سرازیر شوند و با هجوم اجانب در نقاط گوناگون، هویت دینی، فرهنگ مذهبی و استقلال کشور مورد مخاطره قرار گیرد. مکتوب اعتراض‌آمیز وی به شاه وقت قاجار، سند زندای از درایت، هوشیاری و فراست آن مرجع معظم شیعیان است. در فرازی از نامه وی آمده است: «با شروط و تمهیدات و مواتیق چندی از قرار مسموع و مکتوب در عهدنامه، آن که جمیع خلق مجبور به تسلیم اموال و املاک خود باشند، گمان ندارم [نه تنها] در شرع [مقدس] بلکه در سایر ادیان این قسم اجبارها شده باشد. با هجوم عموم فرنگیان در بلاد ایران کدام عالمی در ایران خواهد ماند و اگر بماند جانی و نفسی داشته باشد که یک دفعه وادینا و واملتا بگوید. ۵»

اقتدار معنوی، نفوذ اجتماعی و صلابت حاج ملا علی کنی، خیزش اهالی تهران را در اعتراض به این قرارداد به همراه داشت، آنان برای انجام تکلیف دینی و پیروی از فرامین مرجع تقلید خویش از هیچ‌گونه فداکاری مضایقه نداشتند، لغو امتیاز و عزل مهره اصلی این قرارداد دو خواستهای بود که علما و مردم بر آن اصرار می‌ورزیدند. شاه به محض بازگشت از سفر اروپا و پی بردن به خیزش اهالی مرکز به رهبری علما، سپهسالار را از مقام صدراعظمی عزل نمود و امتیاز رویتر را که براساس مفاد آن ایران تحت سلطه سیاسی و فرهنگی بریتانیا درمی‌آمد، لغو نمود. ۶

سیدجمال‌الدین؛ نماد مبارزه با نفوذ غرب

یکی از رهبران نهضت‌های اصلاحی معاصر در جهان اسلام، سیدجمال‌الدین اسدآبادی همدانی است؛ همان عالم مبارز شیعی که بیدارگری را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای جوامع اسلامی را با واقع‌بینی و ویژه‌ای تشریح کرد و راه اصلاح و چاره‌جویی را نشان داد. سیدجمال علاوه بر مبارزه با استکبار در بُعد سیاسی و اقتصادی خطر استعمار فرهنگی را گوشزد و تأکید می‌کرد

فریادهای ماندگار تاریخ

غلامرضا گلی‌زواره

استیکاری از سوی دیگر و رقابت آنان در غارت منابع کشورهای اسلامی باعث شد وی در نامه‌ای مفصل و سرشار از آگاهی‌های دقیق و عمیق حوادث آن ایام را برای آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی مقیم سامرا یادآور شود. در بخش‌هایی از این مکتوب آمده بود:

این مرد تبهکار (ناصرالدین شاه قاجار) کشور ایران را به مزایده گذاشته و ممالک اسلامی را به اجنبی می‌فروشد. ای پیشوای دین! اگر به کمک ملت برنخیزی و کشور را با قدرت خود از چنگ این گناه‌کار بیرون نیاوری، طولی نخواهد کشید که مملکت اسلامی زیر اقتدار بیگانگان درمی‌آید، آن وقت است که هر چه می‌خواهند می‌کنند و هر حکمی دلشان خواست، می‌دهند. علمای ایران هم سینه‌هایشان تنگ گردیده و منتظر شنیدن کلمه‌ای از تو هستند (که سعادت و نجاتشان در آن می‌باشد).

نظریه توانایی و نفوذ کلمه‌ای که داری، در همه (بلاد ایران) مؤثر خواهی بود، به واسطه تو قدرت‌های اندک، جمع خواهد شد، یک کلمه تو سبب ایجاد وحدتی می‌شود که این بالاهای محیط به کشور ایران را برطرف ساخته و دین اسلام را حفظ نموده و جامعه دینی را (از گزند توطئه‌ها) مصون نگاه می‌دارد. علما و اهل تقوا در نتیجه دفاعی که از دین نمودند، از این مرد سرکش(شاه قاجار) سختی‌هایی کشیدند که در تاریخ نظیر ندارد و چون می‌خواستند بلاد مسلمین را از شر اجانب حفظ کنند، هر گونه تحقیر را متحمل شدند. ۱۲

در فرازهایی از نامه سیدجمال خطاب به علمای ایران آمده بود که: از مدت‌ها پیش دول اروپا با حرص وافر می‌خواهند کشور ایران را زیر نفوذ خود درآورند، این‌ها هر وقت فرصتی یافته و مجالی به دست آورده‌اند، با نیرنگ و دسیسه به طوری که موجب نفرت و تهیج احساسات عمومی نشود، کوشیده‌اند در نقاط مختلف کشور برای خود نفوذی تولید نموده و زمینه حکومت‌نمودن بر آن‌جا را فراهم سازند ولی می‌دانند علما فریب‌شان را نمی‌خورند و در مقابل اراده آنان تسلیم نمی‌شوند، توده مردم همه دلبسته به علما و گوش به فرمان رؤسای دینی است، هر چه بگویند می‌پذیرند، دانشمندان هم پیوسته همت خود را صرف نگاهبانی دینی نموده، نه غفلت می‌ورزند و نه فریفته می‌شوند، نه مغلوب هوا و هوس خواهند شد. اروپایی‌ها نیز از موقعیت علما مطلع بوده و پیوسته منتظر تحول و مراقب فرصتند؛ زیرا هرگاه علما با ابهتی که در نظر عوام دارند، نباشند مردم با میل و رغبت به کفار پیوسته و برای این که خود را از چنگ این دولت (قاجار) نجات بدهند زیر پرچم آن‌ها درمی‌آیند. روی همین موازنه است در هر نقطه‌ای که نیروی علما کم شده، قدرت اروپائیان در آن‌جا بیش‌تر گردیده، به حدی که شوکت اسلام را در هم شکستند، نام دین را از آن‌جا محو ساخته‌اند. ۱۳

میرزای شیرازی؛ سد بزرگ نفوذ و سلطه

میرزای شیرازی هنگامی که متوجه نیرنگ استکبار برای ضربه‌زدن به کشورهای اسلامی شد، برنامه‌های بازدارنده خود را برای لغو امتیاز و نفی سلطه‌گری انگلستان آغاز کرد. وی در نوزدهم ذیحجه ۱۳۰۸ق طی تلگرافی که برای شاه قاجار فرستاد، از او خواست از رفتاری که مخالف و منافی صریح قرآن است دست بردارد. میرزا پیامدهای امتیاز تنباکو را تشریح کرد تا اگر جهالت و غفلت کارگزاران موجب این وضع ذلت‌بار شده است، با آگاهی از پیامدهای جبران‌ناپذیر آن، به لغوش کمر بریندند. شاه که نمی‌خواست از پندهای مجتهد آگاه و مرجع بلندپایه شیعیان جهان درس بگیرد، به این تلگراف اهمیتی نداد و به منظور متقاعدنمودن آن زعيم عالیقدر، کارپرداز ایران در بغداد را موظف ساخت فواید این امتیاز را برای ایشان بازگو کند، در این ملاقات میرزا بر لغو قرارداد تأکید کرد و گفت: نگذارید کارتان به آن جاکشد که وقتی بخواهید به ملت پناه ببرید، دیگر دیر شده باشد، دولت اگر در رفع این فتنه و غائله ممکن نیست به ملت واگذار کند تا در رفع آن اقدام کند. ۱۴

میرزای شیرازی در خاتمه مذاکره با میرزا محمدخان مشیرالوزاره، فرستاده ویژه ناصرالدین شاه، با حالتی از تأثر و تأسّف گفت اگر دولت ایران از عهده برهم زدن این امتیاز ننگین برنمی‌آید، به خواست خداوند به میدان

اجانب در پی استتخاله فرهنگ اسلامی و بی‌اعتقاد کردن مسلمانان به عقاید خود، هستند و به عکس، فرهنگ غربی رایگانه فرهنگ انسانی و سعادت‌بخش معرفی می‌کنند. سید به مسلمانان هشدار داد که روح صلیبی همچنان در غرب مسیحی زنده و شعلور است، اروپا به‌رغم این که با ماسک آزادمشی، هرگونه تعصبی را نکوهش می‌کند، خود به‌شدت در دام تعصب توأم با خصومت علیه مسلمانان، گرفتار است. او تصریح می‌کرد: اروپائیان چون اعتقاد دینی مسلمانان را استوارترین پیوند میان آنان می‌بینند، می‌کوشند تا با نام مخالفت با تعصب این پیون را سُست کنند. او انگلستان را صرفاً قدرتی استعماری نمی‌دانست بلکه دولت بریتانیا را دشمن صُلّی مسلمانان می‌دانست و عقیده داشت هدف انگلستان، نابودی اسلام است و در برابر اجنبی که مصمم به حذف اسلام هستند می‌خواست روح جهان و مقاومت را به پیکر مسلمین بدمد، غیرت دینی آنان را به جوش آورد. ۷

سیدجمال تلاش کرد مسلمانان را از خودباختگی در برابر غرب برهاند و از راه‌های گوناگون از جمله انتشار مقالاتی در نشریه عروهورثقی این هدف را پی گرفت. او می‌دانست تا زمانی که مسلمین خویشتن را از این عقده خطرناک در برابر اجانب نرهانند، از ایشان نمی‌توان انتظار داشت که بر ضد استکبار، به پیکار برخیزند؛ از این رو در سراسر حیات فکری و سیاسی خویش می‌کوشید مسلمانان را در مبارزه با بیگانگان قوی‌دل سازد و نشان دهد اگر جوامع اسلامی متحد گردیده و بسیج شوند، قادرند ابرقدرت‌ها را از گسترش خواهی، زور گویی و جنگ فرهنگی علیه مسلمین باز دارند. ۸

سیدجمال‌الدین اسدآبادی هنگام اقامت در روسیه، در جراید این کشور، طی مقالاتی از سیاست ابرقدرت‌های اروپایی از جمله بریتانیا انتقاد کرد و نوشت: به این اژدها یا نهنگ بنگرید که فروربدن صد میلیون نفر از مردم دنیا، او را سیر نکرده و آب‌های رودخانه‌های گنگ و سند وی را سیراب نساخته؛ چنان که مانند کفتاری دهان گشوده تا بازمانده جهان را فرو بلعد و آب‌های رودخانه‌های نیل و جیحون را یکجا درآشامد. ۹

وی در یکی از شماره‌های نشریه عروهورثقی نوشت: باید تمامی مسلمانان در حدود طاقت و امکان در جهت خلاف مسیر انگلیسی‌ها به حرکت آیند و بر سر راه آنان موانعی به‌وجود آورند تا بدین ترتیب وظیفه دینی و ملی خود را به انجام برسانند، شریعت محمدی مرگ را در راه طرد متجاوزان به سرزمین‌های اسلامی مجاز و حتی واجب می‌گرداند و هر صاحب اندیشه را به اتخاذ تدابیر لازم در برابر مکر حيله‌گران و پرهیز از ارواح شریر وامی‌دارد که به اشکال گوناگونی درمی‌آیند و رونق ظاهری و جمال صوری آن‌ها، افکار را اسیر و چشم‌ها را خیره و در واقع خمیرمایه بدی‌ها، ریشه‌های فساد و باعث تحریک انواع فتنه‌ها و اخلاص‌گری‌اند، این ارواح همان بیگانگان هستند که ارزش‌های مناطق اسلامی را زیر پا می‌گذارند و حقوق مردم را پایمال نموده، خلق و خوی افراد را فاسد و آنان را ذلیل و زبون می‌سازند.

اگر طلب بزرگی و علو همت شما را تحریک نمی‌کند، باید که توقف یک بدبختی قریب‌الوقوع شما را به جنبش وادارد، در شما برتری و خصال بزرگی وجود دارد؛ دین شما، جمعیت، غیرت و دفع مصایب را از شما انتظار دارد؛ صاحب دین به انتظار آن است که اعمال‌تان در راه نهضت اعلای کلمه دین و نجات آن از چنگال اجانب، بر وی عرضه گردد؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و اَنتم الّا علوان اِنْ کُنتم مؤمنین» ۱۰ سستی نورزید و اندوهناک مپاشید و شما اگر (به درستی) ایمان آورده باشید (بر دشمنان برتری خواهید جست). با این مطالب، سیدجمال چنان احساسات مذهبی مسلمانان را برانگیخت و روحیه آنان را تقویت کرد که در همان زمان سبب نهضت‌ها و جنبش‌هایی علیه استکبار گردید. ۱۱

حرص و طمع بیمارگونه و سیری‌ناپذیر ناصرالدین شاه قاجار در فراهم آوردن ثروت‌های فراوان، دلبستگی به زندگی تجملاتی و حرم‌سرای دربار و شیفتگی فوق‌العاده نسبت به تمدن غرب از یک‌سو و نقشه‌های کشورهای

بخش اول

می‌آیم و آن را ملغی می‌کنم. ۱۵. از آن سوی، مردم شهرهای گوناگون طی مکتوب‌هایی، از ایشان تقاضای لغو امتیاز تنباکو را داشتند. میرزای مجدد، آیت‌الله میرزا محمدحسن آشتیانی مجتهد مقیم تهران را از سوی خود وکیل کرد تا با شاه دیدار کند و از وی بخواهد به این انحصار ذلت‌بار خاتمه دهد و خود نیز در آغاز ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ق در تلگرافی به شاه نوشت: چرا درباره سلطه اجانب بر کشوری اسلامی کوتاهی می‌کنید؟

چرا بیگانگان و کافران باید بر امور مسلمانان استیلا یابند؟ رفته‌رفته مراده ذلت‌آمیز با اهل سلطه و منکرات، شایع و آشکار می‌گردد که این روند بر افکار و اعتقادات مردم اثر منفی می‌گذارد، شاه که از جلالت شأن و نفوذ این فقیه فرزانه در میان مؤمنین و علمای ایران باخبر بود و می‌دانست هرگونه مخالفت با نظر ایشان بساط حکومتش را تهدید می‌کند، در پاسخ به تلگراف میرزای شیرازی خاطرنشان ساخت: دولت، هرگز شأن استقلال و ناموس و عزت و منافع اقشار ایران را به دیگران واگذار نکرده است. ۱۶

از آن سوی، اوضاع عمومی کشور ایران رو به وخامت می‌رفت و مردم نفرت و انزجار خود را از کارگزاران قاجار به اشکال گوناگون ابراز می‌داشتند تا آن‌که در جمادی‌الاول سال ۱۳۰۹ق حکم میرزا در ایران انتشار یافت که در آن آمده بود: بسم الله الرحمن الرحیم؛ الیوم استعمار تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان(عج) است، حرّره الاحقر، محمد حسن الحسینی.

این حکم درباره حرمت تنباکو، حکم حکومتی بود که به فرمایش امام خمینی(ره) برای علما و فقهای دیگر هم واجب‌الاتباع بود. این فرمان، جنبش تحریم تنباکو را رقم زد که موج بیداری را در میان مسلمانان برانگیخت و زنگ خطر را برای استبداد و استکبار به صدا درآورد. وزیر مختار انگلیس در گزارشی به انگلستان نوشت: کسانی که به اوضاع و احوال ایران آشنایی دارند، می‌گویند از اقتدار روحانیت شگفت‌زده شده‌اند، هم از مخالفتشان با حکومت استبدادی قاجار و هم از جهت پیروی مردمان از دستورهای آنان درباره چیزی که از دید شرع ممنوع نبود ولی اکنون اعلام گردیده استعمال آن گناهی زشت است. ۱۷

قیام مردم به رهبری علما و توفیقی که در راه الهای امتیاز تنباکو نصیب آنان و روحانیت شد، این واقعیت را به اثبات رسانید که با مقاومت و پایداری و اعتراض فراگیر می‌توان از اقداماتی که به ضرر احاد جامعه صورت می‌گیرد و نیز توطئه‌های اجانب، جلوگیری کرد. ۱۸

۱. قتل آتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر، جواد شیخ الاسلامی، ص ۷۱-۷۲.
۲. انگلستان در ایران، دنیس رایت، ص ۱۰۱.
۳. قتل آتابک و ...، ص ۷۷.
۴. عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ابراهیم تیموری، ص ۱۲۲-۱۲۳.
۵. همان، ص ۱۲۴.
۶. ملا علی کنی، مرزبان دین، محمدباقر پورامینی، ص ۱۲۴-۱۲۶، عصر بی‌خبری، ص ۱۳۶-۱۴۰.
۷. سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۰۱-۱۰۲.
۸. نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، ص ۳۷-۳۸.
۹. زندگی و سفرهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی، علی‌اصغر حلبی، ص ۳۵.
۱۰. آل عمران، آیه ۱۳۹.
۱۱. سیدجمال‌الدین اسدآبادی بنیان‌گذار نهضت احیاء تفکر دینی، محمدجواد صاحبی، ص ۱۳۱-۱۳۲.
۱۲. نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، سیدمحمدحسین طباطبائی زواره‌ای، ملحقات سیهادی خسروشاهی، ص ۲۰۳-۲۰۷.
۱۳. همان، ص ۲۰۸-۲۰۹.
۱۴. تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، ابراهیم تیموری، ص ۸۸-۸۹.
۱۵. همان، ص ۹۰.
۱۶. آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی عالم فرزانه و سیاستمدار گرانمایه، رضا آل علی گل، ص ۸۲.
۱۷. باران بیداری، از نگارنده، ص ۱۷۱.
۱۸. ایران و جهان اسلام، عبدالهادی حائری، ص ۱۵۸-۱۵۹.

داشتند. وقتی از منزل بیرون رفتند، من خون سر و صورتم را پاک کردم و جلوی در رفتم. یکی از ماموران، سرنیزه اسلحه را روی سینه من گذاشت و گفت: برو داخل و در را ببند. نردبانی روی در گذاشتم و از پنجره بالای در، نظاره‌گر این جریان بودم. در این هنگام دیدم حضرت امام از در خانه استیجاری کنار منزلشان بیرون آمدند و سوار ماشین فولکس شدند و با آنها رفتند. با رفتن اینها که حدود ۲۰۰ نفر بودند، ما هم آمدیم داخل کوچه و کم‌کم همسایه‌ها هم آمدند. پرسیدند چه شده؟ من هم جریان را برای مردم تعریف کردم. ساعتی بعد حاج آقا مصطفی آمد و جریان دستگیری حضرت امام را برای ایشان هم تعریف کردم. فکر می‌کنم تنها ناظر این صحنه من بودم.

• **رمز موفقیت حضرت امام را در چه می‌دانید؟**
حضرت امام با مردم صادقانه رفتار می‌کردند. ایشان وقتی صحبت از حلال و حرام الهی می‌شد خیلی شجاع و ترس بودند. در برخی مواقع با اینکه می‌دانستند پس از سخنرانی دستگیر می‌شوند، به هیچ‌وجه ترس به‌خود راه نمی‌دادند. امام یک مرد الهی بود و فقط از خدا می‌ترسید. تکیه به مردم عنصر دیگر موفقیت حضرت امام بود. ایشان بدون اتکا به سرنیزه داخلی و خارجی، سلطنت را در هم کویدند. این شجاعت و اقدام حضرت امام در تاریخ، بی‌سابقه است. حضرت امام با اینکه می‌توانستند از مردم بخواهند که با اسلحه وارد خیابان شوند و درگیری مسلحانه داشته باشند ولی این کار را نکردند و به قدرت و نصرت خداوند و پشتیبانی مردم اعتماد داشتند.

منبع: همشهری

انتشار ۱۰۰ عنوان کتاب درباره بنیانگذار انقلاب اسلامی در بوستان کتاب

اینها: مهدی محدثی، مسئول روابط عمومی موسسه بوستان کتاب، اظهار کرد: موسسه بوستان کتاب در موضوع زندگی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی و معمار کبیر انقلاب، تاکنون بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب به قلم نویسندگان، فرهیختگان و استادان حوزه و دانشگاه برای مخاطبان عمومی و تخصصی چاپ و منتشر کرده است. وی افزود: بیش از ۱۵ عنوان از این آثار، به‌طور مشخص درباره زندگی حضرت امام (ره) و جلوه‌های رفتاری و کلام ناب ایشان تدوین شده است. محدثی گفت: این کتاب‌ها مخاطبانی خاص و عام دارند، به این معنی که هم اقشار تحصیل‌کرده حوزوی و دانشگاهی و هم عموم مردم، اعم از زن و مرد و کودک و نوجوان می‌توانند از محتوای غنی این آثار استفاده کنند و با شخصیت بی‌نظیر این عالم بزرگ آشنا شده و از جلوه‌های رفتاری امام خمینی (ره) الگوهای مناسبی برای زندگی و پیکار با استکبار و ظلم فرا بگیرند.

مسئول روابط عمومی موسسه بوستان کتاب در ادامه با اشاره به این‌که برخی از این آثار به چاپ‌های متعدد رسیده‌اند، عنوان کرد: «عصر امام خمینی» تألیف میر احمدرضا حاجتی با ۱۹ نوبت چاپ، «امام خمینی در چشم‌انداز یاران» مجموعه مصاحبه‌های مجله حوزه درباره شخصیت امام راحل، «طلوع خورشید: سال شمار زندگانی امام خمینی» به قلم علی‌اکبر ذاکری و «امام خمینی و الگوهای دین‌شناختی در مسائل زنان» اثر سیدضیا مرتضوی، از جمله آثار موسسه با موضوع امام خمینی (ره) هستند که در چندین نوبت به چاپ رسیده‌اند. وی افزود: «انسان کامل از دیدگاه امام خمینی و عارفان مسلمان»، «بررسی نظریات رجالی امام خمینی»، «حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه اصم خمینی: مجموعه مصاحبه‌های مجله حوزه» و «وحدانیت و عقلانیت از دیدگاه امام خمینی»، نیز از دیگر کتاب‌های شاخص موسسه درباره زندگی حضرت امام (ره) و جلوه‌های رفتاری و کلامی ایشان است که به چاپ‌های مجدد رسیده‌اند.

آیت الله فیض گیلانی: امام با مردم صداقت داشت

امام را به همان خانه‌ای که من از شهیدمحلای خریدم بودم منتقل کردند. من در خانه را زدم و پسر بچه ۱۲- ۱۰ ساله‌ای جلوی در آمد و گفت: ملاقات نیست. من با خنده گفتم صاحبخانه هستم. وارد اتاق که شدم، حضرت امام نشسته بودند. دست ایشان را بوسیدم و آقای قدس محلاتی پدر همسر شهید محلاتی به امام گفته بود که این خانه را آقای فیض خریده است. امام فرمودند: من خیلی خوشحال شدم، چون نگران بودم که این خانه را چه کسی خریداری می‌کند. معلوم شد که آقای محلاتی قبلاً به حضرت امام پیشنهاد داده بود که این خانه را برای آقا مصطفی یا احمد آقا بخرد ولی امام تمایل نداشت.

چرا امام تمایل نداشت؟

امام مرجع تقلید بود و مردم به ایشان وجوهات می‌دادند. اگر ایشان این خانه را خریداری می‌کردند ممکن بود نظر مردم نسبت به ایشان و ساده‌زیستی ایشان تغییر کند.

چه دلیلی داشت که حضرت امام نسبت به خرید و فروش این خانه نگران باشند؟

ممکن بود این خانه را نیروهای ساواک خریداری می‌کردند تا حضرت‌امام را زیرنظر داشته باشند.

با ایشان رفت‌وآمد داشتید؟

مدتی پس از اینکه در خانه خودمان استقرار یافتیم از حضرت امام و اعضای دفترشان برای ولیمه خانه دعوت کردم. ایشان، آقامصطفی و تعدادی از اعضای دفتر به منزل ما آمدند. ما هم خیلی خوشحال بودیم که در خدمت مرد بزرگی همچون حضرت امام هستیم.

با خانواده امام چطور؟

همسرم گاهی منزل ایشان می‌رفتند ولی همسر فرزندان حضرت امام از اینکه بخواهند به منزل همسایه‌ها بروند خیلی مراقبت می‌کردند. البته زندگی حضرت امام خیلی ساده بود و گاهی اگر به امکانات و وسایلی احتیاج داشتند، از منزل ما می‌بردند.

رفتار حضرت امام با همسایه‌ها و شاگردان چطور بود؟

حضرت امام با همه رفتار کریمانه داشتند. ایشان الگو و اسوه اخلاق بودند و کمالات اخلاقی در وجود ایشان موج می‌زد. حضرت امام با همسایه‌ها، شاگردان و مردم خیلی مودبانه رفتار می‌کردند.

شما در حمله رژیم به فیضیه در ۱۵ خرداد سال ۴۲ هم حضور داشتید و حتی زخمی هم شدید. واکنش حضرت امام به این جریان به چه شکل بود؟

فروردین ۴۲ بود که مراسم سالروز شهادت امام صادق(ع) از سوی آیت‌الله العظمی گلپایگانی در مدرسه فیضیه برگزار شد. وقتی بنده وارد مدرسه شدم و در گوشه‌ای نشستم، احساس کردم مجلس غیرعادی است. نیروهای ساواک که در پوشش کارگر و کشاورز به مراسم رفته بودند پای منبر نشسته بودند و سعی داشتند مراسم را بر هم بزنند. وقتی مراسم تمام شد، طلبه‌ها از اینها فاصله گرفتند و اینها وسط مدرسه ماندند. یکی از آنها اسلحه خود را کشید و تیر هوایی شلیک کرد. ما هم از طبقه دوم مدرسه فیضیه ناظر این صحنه بودیم. همان‌جا دیدیم که مردی از بیرون مدرسه یک بسته بزرگ که در آن چوب بود را با خود به حیاط مدرسه برد. وقتی چوب‌ها را زمین گذاشت، هر کدام از مأموران رژیم یک چوب برداشتند و شروع کردند حمله به سوی طلبه‌ها. من هم در آن جریان ۲ بار کتک خوردم. حتی تعدادی از طلبه‌های زخمی را از فیضیه به منزل امام بردند. بعد از جریان مدرسه فیضیه که مبارزه علنی شد هدف رژیم کوتاه آمدن روحانیت بود، اما امام خمینی کوتاه نیامد و برای روشنگری مردم سخنرانی تندی علیه شاه داشتند.

حوادث ۱۵ خرداد و تبعید امام چگونه شکل گرفت؟

عصر عاشورای سال ۴۲ که ۱۳ خردادماه بود، حضرت امام با سخنرانی افشاگرانه خودشان علناً وارد مبارزه علیه رژیم شد. آن سخنان جسورانه حضرت امام که خطاب به شاه گفتند «آقای شاه نصیحت مرا بشنو» در همین مراسم بود. سخنرانی حضرت امام در فیضیه که هزاران نفر از زائران هم حضور داشتند خیلی قابل توجه بود. ایشان در سخنان خودشان پرده از چهره زشت رژیم برداشتند و نقشه‌های آنها را برملا کردند. حتی در گذشته هیچ

آیت‌الله محمدعلی فیض‌گیلانی از شاگردان و یاران حضرت امام، سینه‌ای پر از خاطرات و دلی سرشار از عشق به امام دارد؛ پیرمرد ۹۲ساله لاهیجانی از ۱۵ خرداد ۴۲ که جرقه انقلاب در فیضیه زده شد، خانه شهید محلاتی را خرید تا افتخار همسایگی حضرت امام نصیبش شود.

ایشان، بعد از پیروزی انقلاب در مسئولیت‌های حساسی ایفای نقش کرده که ریاست و قائم‌مقامی دیوان عدالت اداری به مدت ۸ سال، نمایندگی حضرت امام در دانشگاه الزهرا، عضویت در ۲ دوره مجلس خبرگان رهبری و عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه از جمله آنهاست. در یکی از روزهای منتهی به سالگرد ارتحال حضرت امام، با این استاد حوزه در منزل قدیمی‌اش همکلام شدیم و خاطرات او از امام را زنده کردیم. روح الله کریمی

آشنایی شما با امام خمینی(ره) به چه شکل بود؟

آشنایی ما با حضرت امام از طریق شرکت در درس خارج ایشان آغاز شد. در آن زمان ایشان یکی از شلوغ‌ترین درس‌های خارج فقه و اصول را در مسجد سلماسی اداره می‌کردند. تعداد شرکت‌کنندگان در این درس، به قدری بود که مسجد سلماسی مملو از جمعیت می‌شد.

چه چیز باعث شد که درس خارج حضرت امام را انتخاب کنید؟

قدرت بیان و تسلط علمی حضرت امام فوق‌العاده بود. امثال آیت‌الله مکارم‌شیرازی و آیت‌الله سبحانی که اکنون از مراجع تقلید هستند، از شاگردان حضرت امام بودند. تسلط علمی حضرت امام به قدری بود که سؤال‌ها و اشکال‌های شاگردان را همان‌جا پاسخ می‌دادند.

قبول دارید که خیلی‌ها نمی‌دانند حضرت امام در مباحث علمی، فلسفی و فقهی تبحر زیادی داشتند؟

مردم بیشتر حضرت امام را به مبارزات انقلابی می‌شناسند اما حوزویان می‌دانند که حضرت امام از نظر علمی در چه جایگاهی بودند. بسیاری از کتاب‌های ایشان را عموم مردم نمی‌توانند درک کنند. شاید عامه مردم نتوانند امام را آنطور که ما می‌شناسیم، بشناسند.

در درس اخلاق حضرت امام هم شرکت می‌کردید؟

از ابتدای ورود به قم باخبر شدیم که عصرهای پنجشنبه در مدرسه فیضیه، درس اخلاق حضرت امام برگزار می‌شود. ما هم در آن درس شرکت می‌کردیم.

چطور بود؟

در لاهیجان از وقتی که مجالس وعظ و روضه‌خوانی آزاد شده بود، در اینگونه مجالس شرکت می‌کردیم اما درس اخلاق حضرت امام هیچ تناسبی با آن مجالس نداشت. این درس، داستان و قصه‌گویی و روضه‌خوانی نبود بلکه به نحوه روش و رفتار ما نظر داشت؛ اینکه چگونه باشیم و اسلام از ما چه می‌خواهد. در واقع به رفتار و گفتار و عقیده ما در زندگی ارتباط داشت. از این نظر برای ما جذابیت خاصی داشت. ما هم روزشماری و ساعت شماری می‌کردیم که پنجشنبه برسد و در این درس شرکت کنیم. برای ما جالب بود که استادی از نحوه عقاید و برداشت انسان مسلمان در زندگی صحبت می‌کند. در این جلسه غیر از روحانیون، عده زیادی از بازاری‌های قم نیز شرکت می‌کردند. مطالبی که در این جلسه مطرح می‌شد به قدری برای ما تازگی و جذابیت داشت که تا پنجشنبه دیگر در گوش ما طنین‌انداز بود و بسیاری از کلمات و جملات در ذهن ما نقش می‌بست و سعی می‌کردیم که آنگونه باشیم.

از چه زمانی همسایه حضرت امام شدید؟

ابتدای ورود به حوزه، در حجره زندگی می‌کردیم. چند سال بعد، در خیابان چهارمردان مستاجر بودیم. بعد از ارتحال پدرم مقداری ارث به من رسید و تصمیم گرفتم خانه‌ای خریداری کنم. پس از جست‌وجوی زیاد از این خانه که متعلق به شهید محلاتی بود خوشم آمد. با شهید محلاتی در مورد قیمت خانه به تفاهم رسیدیم ولی چون پدر همسر ایشان می‌خواست چند روز در قم باشد، قرار شد بعد از بازگشت بستگان آقای محلاتی در آن خانه سکونت داشته باشیم. همان شب شنیدیم که حضرت امام را – که بعد از جریان ۱۵ خرداد دستگیر کرده بودند- به قم منتقل کردند. جمعیت زیادی برای دیدن امام آمده بودند.

ادامه از صفحه اول

البته از یک نگاه می توان هیکل را «تاریخ نگار» هم نامید، اما نه تاریخ نگار به مفهوم مصطلح و واقعی کلمه، بلکه باید آن را نوعی وقایع نگاری مستند نامید... آثار او بیشتر درباره مسائل جهان عرب، مسئله فلسطین، موضوع اسرائیل، مشکل قیپیان مصری، کامپ دیوید، بحران های کشورهای عربی، و سرانجام مسئله حمله امریکا به عراق... و گفتگوهای سری بین اعراب و اسرائیل... دور می زند.

بعضی از نویسندگان ایرانی، کتاب معروف «حیات محمد» - زندگانی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را که به زبان فارسی هم ترجمه و چاپ شده است و در واقع نوعی ارائه سیره نبوی به سبک نوین است و چگونگی تاریخ و زندگی پیامبر اکرم را شرح می دهد، از تألیفات هیکل معرفی کرده اند که این اشتباه است و مؤلف آن کتاب، «محمد حسین هیکل» است نه «محمد حسین هیکل» و او یکی از شخصیت های علمی معروف مصر بود و ربطی با «حسین هیکل» ندارد.

هیکل به ایران علاقه خاص داشت و همواره از انقلاب آن به نیکی یاد می کرد و از اعراب به شدت انتقاد می نمود که چرا برای ایجاد روابط حسنه با ایران، به جای اسرائیل، نمی کوشند؟! او اسرائیل را دشمن واقعی اعراب می نامید و نه ایران را... هیکل در برنامه خود در شبکه الجزیره صریحا به این امر پرداخت و همین امر باعث حذف برنامه او از ماهواره الجزیره گردید که تحت عنوان «مع هیکل» پخش می شد و هواداران زیادی در جهان عرب داشت. او در یکی از برنامه های خود چنین گفت:

اسرائیل دشمن ماست نه ایران!

ایران کشوری ریشه دار در تاریخ است ایران با اسرائیل تفاوت دارد. من می ترسم دوباره همان اشتباه سال ۱۹۸۰ (جنگ ایران و عراق) را تکرار کنیم و دشمن فرضی را به جای دشمن واقعی بگیریم. ما از خطر شیعیان ایران سخن می گوئیم، ما از تشکیلات هلال شیعی سخن می گوئیم، اما از اسرائیل که دنیا را تحت سیطره خود درآورده است سخن نمی گوئیم، ما مردم را از خطر برنامه هسته ای ایران می ترسانیم، اما از هراس واقعی اسرائیل سخن نمی گوئیم. این در حالی است که برنامه هسته ای ایران چندان جدی نیست و به آینده ای دور بر می گردد. اسرائیل صریحا اعلام می کند که ۲۰۰ بمب هسته ای در اختیار دارد اما اینکه چرا باز هم برنامه هسته ای ایران را خطرناک می دانیم نظری است که منشأ آن آمریکاست. پس از وقوع انقلاب اسلامی بعد از آنکه نتوانستیم با ایران به تفاهم برسیم ساز مخالفت را کوک کردیم و به این توهم دامن زدیم که ایران خطرناک است و همه قدرت ها صدام و عراق را به یک جنگ فرسایشی و ۸۰۰ میلیارد دلاری هشت ساله وارد کردند. چگونه اسرائیل را که اراضی ما را می بلعد دوست به شمار می آوریم و توافقتنامه همکاری امضا می کنیم اما ایران را دشمن می دانیم؟ من شدیداً عقیده دارم که پیش از طرح مثلث شیعه یا هلال شیعی باید از اسرائیل سخن بگوئیم، زیرا ایران خطرناک و توسعه طلب نیست. الجزیره ۲۰۰۹».

با توجه به موقعیت و شخصیت هیکل که دیگر در مصدر کار نبود، ترجیح دادم که به ملاقات او بروم...

دیدار با هیکل

... پس از ورود به «قاهره» به عنوان رئیس یا سرپرست نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در مصر و ملاقات با آقای عمرو موسی وزیر امور خارجه وقت مصر، طبق پروتکل های دیپلماتیک به دیدار دیگر شخصیت ها و معارف دینی، علمی، فرهنگی و سیاسی مصر رفتم: دکتر محمد سید طنطاوی (شیخ الازهر) شیخ نصر فرید واصل (مفتی مصر) شیخ احمد الطیب (رئیس دانشگاه و شیخ فعلی الازهر) اسامه الباز (تنها مشاور سیاسی رئیس جمهوری) حسین الشافعی (قائم

حدیث روزگار - ۳

هیکل کیست؟

استاد سید هادی خسروشاهی

نقش خاصی در روشن ساختن افکار عمومی جهان عرب نسبت به نهضت ملی ایران ایفا کرد.

استاد هیکل گفت: بلی! این کتاب نخستین کتاب من بود که به طور مستقل در سال ۱۹۵۰ م چاپ و

منتشر گردید و قیمت آن که به نظرم ده یا بیست قرش بود، و نسخ آن به سرعت تمام شد و السید رئیس که نسخه ای به او داده بودم و خوانده بود، به من گفت که بهای مصر بتوانند آن را بخردند و بخوانند! چون خود رئیس تحت تأثیر نقش یک پیرمرد روحانی در بارور ساختن یک نهضت با همکاری عناصر ملی مانند دکتر مصدق قرار گرفته بود و حتی اشاره کرد که ای کاش در میان روحانیون الازهری ما هم رجلی مثل او پیدا می شد...

استاد هیکل ساعتش را نگاه کرد و من نیز وقتی دیدم که مباحثه ما، از وقت معین بیشتر شده است، عذرخواهی کردم و خداحافظی...

۲- این نخستین دیدار تشریفاتی من با هیکل بود که به طور طبیعی به سیاست کشیده شد و باعث آن هم رهنمود! دادن او بود... چند ماه بعد، آقای عطاء الله مهاجرانی (به عنوان مسئول بنیاد گفتگوی تمدن ها در دوران دولت جناب آقای دکتر خاتمی (حفظه الله) همراه برادر ارجمند جناب سید محمد صادق الحسینی به مصر آمدند و مایل بودند که دیداری با هیکل و نجیب محفوظ و ارباب جراند داشته باشند... گفتیم:

نجیب محفوظ به خاطر موضع گیری های اخیر خود درباره اسرائیل، دیگر آن مقبولیت سابق را ندارد و من هم دیداری با او نداشته ام و صلاح هم نمی دانم که شما ملاقات داشته باشید و ایشان هم نظر ما را پذیرفتند ولی در مورد هیکل و ارباب جراند - از جمله سردبیری روزنامه الاهرام و مجله هفتگی معروف المصور - اقدام شد و چند جلسه ملاقات جداگانه با آنان انجام پذیرفت.

محل دیدار با هیکل منزل او بود و او مانند ملاقات قبلی، با آمادگی و خدم و حشم به استقبال ما آمد و در این جلسه، بیشتر گفتگوها با آقای مهاجرانی و صادق الحسینی بود و من هم با توجه به «تقاش» جلسه نخستین، نخواستم دیدار دوستان را خدشه دار کنم! و بیشتر مستمع بودم تا پرسشگر پرخاشگر!...

هیکل این بار ما را به میهمانی شام دعوت کرد که یکی دو روز بعد، در یک هتل بسیار مجلل که ظاهراً هتل ویژه میهمانان درجه یک! بود، شامی به افتخار ما داد که ناشر کتب او، آقای معلم، مدیر داد الشرق قاهره هم حضور داشت.

در این دیدار بیشتر درباره مسئله نشر و ضرورت تبادل ثقافتی سخن به میان آمد و هیکل از من خواست در این زمینه کوشا باشیم چون هم مصر و هم ایران سابقه فرهنگی، تاریخی مشترکی دارند و می توانند در این زمینه همکاری داشته باشند!

گفتم استاد هیکل: من پس از تماس های زیاد با شخصیت های بسیار در مصر، به این نتیجه رسیده ام که تا الامن العام رضایت ندهد، روابط سیاسی بین ایران و مصر، احیا نخواهد شد... و به همین دلیل در ملاقاتی با آقای عمرو موسی، وزیر خارجه محترم، که علاقه زیادی به ایجاد روابط اظهار می کند، پیشنهاد دادم که در توسعه روابط فرهنگی، تشکیل سمینارهای علمی، برگزاری هفته فیلم، شرکت در نمایشگاه بین المللی کتاب در قاهره و غیره فعال باشیم ولی نه تنها این کارها انجام نشد بلکه ما را حتی در نمایشگاه بین المللی کتاب راه ندادند... و من در گله دوستانه ای به آقای عمرو موسی گفتم که چگونه می توان به روابط فرهنگی توسعه داد،

ملی رئیس عبدالناصر قیام کردند و «القیاده» چاره ای نداشت جز آنکه برای حفظ انقلاب اقدام کند! و جلو آن ها را بگیرد گفتیم: ایستاد! من با دیدگاه های رهبری اخوان المسلمین کاملاً آشنایی دارم ولی اعتقاد به احیای



خلافت واحده که در عصر ما تقریباً غیرممکن است، نباید موجب سرکوب یک جنبش و یک سازمان ریشه دار گردد.

اما در مورد مخالفت با رئیس، خوب جناب عالی خوب می دانید که در زمان قیام افسران آزاد و کودتای موفق آنها، چند نفر از خود همین افسران، سابقه اخوانی داشتند که یکی از آنها خود رئیس و معاونش انور السادات بودند... و اگر همکاری همه جانبه سرهنگ ابوالسعود و سرلشکر عبدالرئوف از اعضای اصلی سازمان نظامی اخوان در ارتش نبود، طبق نوشته فاروق در خاطرات خود، کودتا پیروز نمی شد اما وقتی آقایان به قدرت رسیدند نخست عنوان اصلی «حرکة یولیوی» - نهضت ژوئیه - را به انقلاب ژوئیه تغییر دادند و سپس به طور کامل به تمامت خواهی برخواستند و اخوان را کنار گذاشتند و فقط «وزارت اوقاف» را به مرحوم شیخ حسن الباقوری، عضو مکتب ارشاد اخوان المسلمین، واگذار کردند که او هم به علت تخلف سازمانی و قبول این پست، از جمعیت اخراج گردید... و بعد دستگیری ها و زندان ها و اعدام ها آغاز شد... یعنی جریان ایران که حکومت همانطور که خود نوشته اید با فتاوی آیت الله کاشانی و همکاری فدائیان اسلام روی کار آمده بود، نخست سازمان فدائیان اسلام را سرکوب نمود و رهبری آن را به زندان انداخت و سپس با آیت الله کاشانی آن رفتار ناجوانمردانه را در پیش گرفت و او را خانه نشین نمود و نتیجه نهایی هم سقوط حکومت و موقوفیت کودتای ننگین ۲۸ مرداد و بازگشت شاه به ایران گردید...

... استاد هیکل که ظاهراً از توضیحات و اطلاعات من شگفت زده شده بود، گفت: من از اینکه سعاده السفیر اطلاعات زیادی درباره حوادث مصر دارد مسرور شدم، ولی اینها همه واقعیات نیست و مسائل پشت پرده زیادی بود که موجب این حوادث گردید.

احساس کردم که استاد هیکل آمادگی لازم را برای ادامه این بحث - که خود آغاز کرده بود - ندارد، لذا موضوع را عوض کردم و از کتاب او: «ایران فوق برکان» - ایران بر فراز آتشفشان - تعریف کردم که در زمان خود،

مقام و معاون اول جمال عبدالناصر به مدت ۱۴ سال احمد همروش (رئیس لجنه التضامن المصری که قبل از او انور السادات رئیس آن کمیته بود) استاد عبدالوهاب المسیری، کمال ابوالمجد، مصطفی الفقی (رئیس کمیته روابط خارجی مجلس) شیخ مصطفی مشهور و شیخ مأمون الهضیبی (از مرشدان اخوان) دکتر محمد عماره، دکتر سلیم العوا، دکتر ابوالفتوح (رئیس اتحادیه پزشکان) جمال البنا (برادر شهید شیخ حسن البنا) و... محمد حسنین هیکل، مشاور معروف عبدالناصر و روزنامه نگار معروف و ده ها شخصیت دیگر...

دیدار نخست به تعارفات گذشت و او از من پرسید که به ملاقات چه کسانی رفته اید؟ گفتم: در وادی دیپلماسی، البته دیدارها به مفهوم توافق با افکار و اندیشه های دیدار شوندگان نیست و من به عنوان حفظ آداب و رسوم دیپلماتیک به دیدار کسانی رفته ام ولی بیشتر روی عقاید شخصی، علاقه دارم که روابط بیشتری با الازهری ها و اخوانی ها داشته باشم!

هیکل، پکی به سیگار معروف کوبایی خود زد و دستور داد برای من قهوه بیاورند که تشکر کردم و گفتم من اصولاً قهوه نمی خورم... و چایی آوردند...

هیکل با نگاهی خاص گفت: شما با بیشتر سیاستمداران و رؤسای احزاب و اصحاب جراند تماس بگیرید! الازهری ها را ول کنید! اینها هنوز با اوهام قرون وسطی زندگی می کنند... یک آیت الله کاشانی و یک آیت الله خمینی از میان اینها در طول این هزار سال

پیدا نشده و اکنون هم همچنان به شرح مسائل فرعی فقهی خود مشغولند و کاری با جامعه جهانی و عصر کنونی ندارند و چون حقوق بگیر دولت هستند، در جناح دولتی ها حرکت می کنند و اگر روزی سادات بخواهد با اسرائیل معاهده امضا کند، از صلح حدیبیه حرف می زنند و یا هر کار دیگری را فوری با سنت رسول اکرم تطبیق می دهند و به کارهای حکومت رنگ شرعی می دهند! گفتم استاد: با کدام سیاستمداران ملاقات کنم؟ با دبیر کل حزب الوطنی حاکم؟ سیاستمداران هوادار کمپ دیوید؟ فسیل های احزاب یک قرن پیش؟ یا روزنامه نگارانی که از رژیم بخت پول می گیرند و هر شماره علیه انقلاب اسلامی ایران مقاله می نویسند؟ الازهر تا آنجا که من در تاریخ پیدایش و عملکرد آن خوانده ام، نقش بسیاری در روشنگری مسلمانان در سطح جهانی داشته و به عنوان قبیله گاه علمای اسلامی در جهان تسنن شناخته شده است و شخصیت هایی چون شیخ محمد عبده و شیخ محمود شلتوت تحویل جامعه داده است و البته قبل از دستور «الرئیس عبدالناصر» انتخاب شیخ الازهر به عهده خود علما الازهر بود و استقلالی در این امر داشتند ولی پس از حکم رئیس السید، انتخاب شیخ الازهر به عهده ریاست جمهوری واگذار شد و از آن تاریخ متأسفانه الازهری ها استقلال نسبی خود را هم از دست دادند و کسانی که منصوب رئیس جمهوری می باشند، به طور طبیعی نمی توانند برخلاف نظر وی عمل کنند و از سوی دیگر چون حقوق بگیر دولت هستند، نمی توانند در مسائلی چون اعدام سید قطب، مفسر بزرگ قران دخالت کنند و بلکه تا آنجا که من می دانم حکم صادره از دادگاه نظامی مصر را که ریاست آن با رئیس محمد النور السادات بود، تأیید کردند!

به روشنی دیدم که هیکل از این مطلب اخیر من ناراضی شد ولی تحمل کرد و واکنشی نشان نداد ولی به طور کلی گفت:

اخوان المسلمین از روز اول تأسیس به فکر احیای خلافت اسلامی و حکومت جهانی بودند و این امر در عصر ما امکان پذیر نیست. و در مصر هم بر ضدحکومت

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
بشش	شماره ۶
۵	شماره مسلسل ۱۵۲۴
یادمان	نیمه دوم خرداد ۱۳۹۵
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

در قاهره و بیروت به چاپ رسید.

این کتاب در سال ۱۳۶۲ هم توسط جناب حمید احمدی از روی نسخه انگلیسی چاپ آمریکا به فارسی ترجمه و توسط انتشارات الهام - تهران، دوبار، منتشر شده است.

تطبیق نسخه های کتاب به زبان عربی و انگلیسی، نشان می دهد که نسخه عربی، تفاوت ها و کاستی هایی دارد و در واقع می توان گفت خلاصه ای از اصل کتاب است که شاید: دلایل خاص کشورهای عربی، به این شکل درآمده و مطالبی حذف و جملاتی تغییر یافته است؟

مثلاً شما در متن انگلیسی می نویسید: «... هنگامی که من آیت الله خمینی را در پاریس دیدم، پرسیدم که چگونه یک فقیه مسائل اقتصادی و یا فضائی را حل می کند.» او در یک پاسخ گزنده ولی هوشمندانه گفت: «ملک خالد درباره فضا چه می داند؟ این افراد نظامی و ارتشی که در جهان عرب قدرت را به دست گرفته اند درباره اقتصاد چه می دانند؟ یک فقیه حداقل قوانین الهی را می داند، اما این افراد از قوانین الهی یا حق قوانین بشری چیزی نمی فهمند...» این مطلب که در اواخر فصل ۱۲ کتاب شما به زبان انگلیسی آمده، در ترجمه عربی تغییر یافته و نام «ملک خالد» حذف شده و «گزنده» بودن پاسخ نیز نقل نشده است... (مدافع آیت الله چاپ دار الشروق فصل ۱۲، ص ۱۸۳).

هیکل از دقت نظر اینجانب تعجب و تشکر کرد و از اینکه کتاب وی به فارسی هم ترجمه شده و اطلاعی نداشت، خوشحال شد و اشاره کرد که شاید مترجمین محترم آن به عربی، در شرایط موجود بلاد عربی، صلاح ندیده اند که مثلاً نام فلان شاه در نسخه عربی ذکر شود، ولی در کلیات فکر نمی کنم که تغییری رخ داده باشد...

گفتم: در کتاب شما آمده است که گویا امام خمینی طی نامه رسمی از همه رؤسای بلاد عربی اسلامی کمک خواسته و تنها سیاده رئیس دستور داده که ۱۵۰ هزار دلار توسط سید سراج الدین، مسئول سازمان امنیت سوریه به ایشان ارسال شود و این پول در فرودگاه تهران توسط ساواک توقیف شده و امام در روز بعد از هجمه شاه علیه ایشان، پاسخ داده که «این اموال جمال عبدالناصر برای من نبوده بلکه برای کمیته رفاه یا امداد بوده است» و این مطلب صحت ندارد اولاً امام هرگز نامه ای در این رابطه به هیچ رئیس دولتی ننوشته و ثانیاً اگر السید رئیس پولی فرستاده اند، هرگز به ایران نرسیده و ثالثاً آن ایام اصولاً کمیته رفاه یا امداد خمینی تشکیل نشده بود که پول به آنجا حواله شود و رابعاً اصولاً امام در آن ایام در زندان بود و نمی توانست پاسخ اتهامات شاه را بدهد...

به نظر من نکاتی از این قبیل، کمی از ارزش کتاب شما می کاهد و مستند بودن آن را زیر سؤال می برد. بعد افزودم: من درباره این کتاب شمه، فصلی در کتاب خودم «حقیقهٔ علاقهٔ عبدالناصر بالثورة الاسلامیه فی ایران» چاپ قاهره نوشته ام که در آن، بیشتر به این امر پرداخته ام و یک نسخه از کتاب را به شما تقدیم می کنم و وقت شما را بیشتر از این درباه این کتاب نمی گیرم که به نظر من کتاب بالغ بر ۵۰ مورد اشکال اطلاعاتی دارد و با حقیقت سازگار نیست.

هیکل گفت: ممنون می شوم که همه این موارد را بنویسید و برای من بفرستید تا در چاپ های بعدی کتاب حتماً آنچه را که اصلاح شدنی است، مورد بازبینی قرار دهم.

و البته متأسفانه این توفیق حاصل نشد چون احساس کردم که آقای هیکل اقدامی نخواهد کرد و هم اکنون کتاب با همان نواقص به عربی و انگلیسی به چاپ می رسد.

منبع : روزنامه جمهوری اسلامی - شماره ۱۰۵۶۲ - شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۵

از هیچ جهت، جز ایجاد آرامش و امنیت در این مراسم ندارد و حضور مردم و پذیرایی از آنها، در سه روز مراسم، خودجوش و به عهده عمدتاً نقایهٔ الاشراف - سندیکا یا اتحادیه سادات مصر است - که بالغ بر دو میلیون عضو دارد و همچنین طرق مرشدان صوفیه - بالغ بر صد و بیست طریقه در مصر فعالیت دارند - و یا خود مردم قاهره، قرار دارد.

در این دیدار، از نوبه مسئله سیاست، و یا نقد محتوای کتاب وی درباره انقلاب اسلامی برگشتم و پرسیدم در کتاب ها شما درباره ایران مطالبی مطرح شده که منتسب به اسناد ویژه در ایران است که گویا جنابعالی آنها را در نزد مسئولان کشور، پس از انقلاب دیده اید، ولی محتوای آنها با واقعیت های امور سازمان کار نیست و یا اطلاعات ناقصی درباره زندگی، مبارزه امام خمینی و علمای ایران در اختیار شما قرا رگرفته که تمام کلام نیست، بلکه نشانگر دیدگاه های ویژه بعضی سازمان ها و جمعیت های سیاسی چپ و یا سکولاریست است.

هیکل گفت: البته من خود بارها به ایران سفر کرده ام و به عنوان شاهد عینی، بسیاری از حقایق را کشف کرده ام و اصولاً همانطور که مقدمه کتاب! ایران روایتی که ناگفته ماند « یا همان مواضع آیت الها - نوشته ام ... «... علاقه من به امور و مسائل ایران به مدت ها قبل برمی گردد. به عنوان یک روزنامه نگار جوان، خبرنگار سیار روزنامه «اخبار الیوم» قاهره در امور خاورمیانه شدم و یکی از نخستین وظایف مهم من تهیه گزارش پیرامون بحران نفت ایران در ۵۱ - ۱۹۵۰ بود، ماه های زیادی را در ایران گذراندم، به همه جا سفر کردم و با تمام سیاستمداران معروف رژیم سابق همچون «سید ضیاء الدین طباطبایی»، «قوام السلطنه» و البته «دکتر محمد مصدق» و حامی آتشین او «آیت الله کاشانی»، عالم مذهبی پیشتاز شیعه در زمان خود، ملاقات کردم. در این زمان بود که اولین گفتگو از سری گفتگوهای متعدد خود را با شاه برگزار کردم، و نیز با خواهر دو قلوی او اشرف که با شوهر سابقش احمد شفیق دوستم بود، آشنا شدم.

محصول این تجربه اولین کتاب من تحت عنوان «ایران بر فراز آتشفشان» بود که در ۱۹۵۱ به عربی چاپ شد و تقریباً پرفروش ترین کتاب سال گردید. برای یک نویسنده، اولین کتاب به مثابه اولین عشق اوست، بسیار عزیز است و هرگز فراموش نمی شود. بدین خاطر است که تقریباً با حدود گذشت ۳۰ سال از انتشار «ایران بر فراز آتشفشان» حوادث آن کشور را با علاقه خاصی دنبال کرده ام...

بنابراین نمی توان ادعا کرد که نوشته های من از روی ناآگاهی و یا غیرواقع بینانه بوده است... من به ایران علاقه داشتم و دارم و هم اکنون هم به شدت از انقلاب اسلامی ایران در مقابل تهاون و تساهل ملوک و رؤسای دول عربی، دفاع می کنم ولی به طور طبیعی هر نویسنده ای ممکن است در بعضی از برداشت های خود دچار اشتباه شده باشد...

گفتم مثلاً در کتاب مدافع آیت الله، در ده ها مورد استناد و استشهد جنابعالی، درباره بعضی امور با حقایق امور سازگار نیست.

هیکل گفت: شما این کتاب مرا به دقت خوانده اید؟ گفتم: من این کتاب شما را به هر سه زبان: انگلیسی، عربی و ترجمه فارسی آن به دقت بررسی کرده ام و به خوبی می دانم که چاپ اول کتاب شما درباره انقلاب اسلامی نخست به زبان انگلیسی و تحت عنوان: Return of the Ayatollah - عودهٔ آیت الله - بازگشت آیت الله - در سال ۱۹۸۱ در لندن به چاپ رسیده و سپس تحت عنوان جدید: Iran the untold story - ایران روایتی که ناگفته ماند - در سال ۱۹۸۲ در نیویورک منتشر گردیده است.

ترجمه عربی کتاب شما که توسط دو شخصیت ممتاز و معروف چون: دکتر عبدالوهاب المسیری و استاد شریف خاطر انجام گرفته و نخست به صورت مقالاتی در روزنامه «السفریر» چاپ بیروت منتشر شده و سپس تحت عنوان: «مدافع آیت الله - قصهٔ ایران والثورة - توپخانه های آیت الله - داستان ایران و انقلاب - در سال ۱۹۸۲ از سوی ناشر معروف مصر - دار الشروق -

دور شدم و درباره تقریب بین مذاهب اسلامی و نقش فتوای مشهور شیخ محمود شلتوت در جواز پیروی از مذهب تشیع، مانند مذاهب چهارگانه اهل سنت، سخن به میان آوردم که هیکل گفت: مصر، پایتخت فاطمی ها، همواره با مذهب شیعه آشنا بوده و در دوران رئیس!، الازهر به ایجاد روابط بیشتر و بهتر با علمای شیعه تشویق شد و خوشبختانه این فتوی هم تأثیر بسزایی در جلب افکار عمومی داشت و اصولاً مصری ها اگرچه «سنی المذهب»اند ولی به قول خودشان «شیعی الهوی» هستند.

گفتم: به نظر من اقدامات آیت الله بروجردی، مرجع اصلی شیعه در دوران پیشین، و مکاتبه ایشان با شیوخ الازهر و اعزام علامه شیخ محمدتقی قمی به قاهره و تأسیس دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه، با شرکت علمای الازهر و شهید شیخ حسن البنا و علمای شیعه اثنی عشری و زیدی نقش اصلی و اساسی را در همکاری مشترک و نشر مجله «رسالة الاسلام» با مقالات علمای مذاهب اسلامی و بزرگان علمای شیعه عراق و لبنان و ایران و سرپرستی یک شیخ شیعی قمی، در صدور فتوای شیخ شلتوت نقش عمده و اصلی را به عهده داشته است و ظاهراً سیاست کلی نظام مصر هم زمینه را به طور غیرمستقیم، آماده ساخته بود ولی فکر نمی کنم که رئیس در صدور فتوی دخالتی داشته باشد، چون این امر، از شئون علما است و نه شئون رجال سیاسی ... و در همین رابطه است که وقتی علامه قمی، همراه نص فتوی به ایران آمد، علیرغم تمایل دربار و شخص شاه که آن متن به دربار اهداء شود و در موزه سلطنتی نگهداری گردد، علامه قمی آن را به مشهد رضوی برده به آستان مقدس امام رضا علیه السلام، با حضور مراجع و علمای بزرگ اهداء نمود که هم اکنون در مرکز اسناد آستانه مقدس رضوی نگهداری می شود.

هیکل گفت: اگر رجال سیاسی و مسئولین ایران و مصر در این امور نظر مثبت نداشته باشند، ظاهراً علمای محترم نمی توانند اقدامی انجام بدهند.

گفتم: این برداشت ممکن است در مورد علماء دولتی و وابسته به دولت در کشوری صحت داشته باشد و در کشوری مثل ایران، علما و مراجع شیعه اصولاً ارتباط کاری یا اشاره دولت ها نداشته اند و به هر حال صدور فتوی امر مبارکی بود و در ایجاد حسن تفاهم بین ملت مصر و مردم ایران می تواند تأثیرگذار باشد.

هیکل گفت: مردم مصر از دوران فاطمی ها، و یا حتی پیش از آنها، از دوران صدر اسلام، آشنایی با اهل بیت پیامبر داشته و آنها را در خاک خود جای داده و محترم شمرده اند و شما احترامی را که مردم مصر به اهل بیت می گذارند، شاید در هیچ کجا، حتی کشورهای عراق و ایران و لبنان هم نظیر آن را ندیده باشید.

برای نمونه بگویم که شما شیعیان به احترام خاندان پیامبر اکرم نام فرزندان پسر خود را حسن یا حسین می گذارید و مصری نام فرزندان پسر خون را «حسنین» می گذارند که خود من یکی از آنها هستم... و از سوی دیگر، اگر شما در شهرها و روستاهای مصر بگردید نام دختران مصری را «فاطمه» یا «زهره»ی جدا از هم نمی یابید، نام این دختران در سراسر مصر، «فاطمه الزهراء» گذاشته می شود که نام کامل دختر پیامبر بود.

هیکل پرسید: شما مراسم میلاد الحسین، در قاهره در میدان مسجد رأس الحسین را دیده اید؟ گفتم: نه! ولی امسال دعوت دارم و حتماً شرکت خواهم کرد. و ایام مراسم میلاد الحسین فرا رسید و من به دعوت مرشد طریقه صوفی عزمیه به مراسم جشن و سرور در میدان مسجد الحسین رفتم که به طور واقعی، جای سوزن انداختن نبود... من همراه دو سه نفر از همکاران سفارت به زحمت به خیمهٔ خاص صوفیان طریقه عزمیه رفتم و در مراسم شادی آنان حضور یافتیم و بدون تردید، شبیه آن نوع مراسم با آن شکوه و کثرت جمعیت، در میلاد امام حسین علیه السلام در هیچ کشور اسلامی - شیعی برگزار نمی شود...

روزنامه های مصری در گزارش آن مراسم نوشتند حدود سه میلیون نفر از مردم سراسر مصر، در این مراسم شرکت داشته... به طوری که حتی در خیابان ها و کوچه های شهر هم جایی برای سکونت این خیل عظیم از جمعیت فراهم نبود... و البته دولت هیچگونه دخالتی،

در حالی که حتی نمی توانیم در یک نمایشگاه کتاب، که اسرائیل را هم به آن دعوت کرده اند، شرکت کنیم و یا حضور داشته باشیم؟

آقای عمرو موسی، ضمن اظهار تأسف، به صراحت به من گفت: الأمن العالم می ترسد که شما تحت پرچم فرهنگی، همان نوع فعالیت هایی را که در لبنان و سوریه دارید، در مصر هم پیاده کنید... ولی من تلاش خودم را می کنم... که البته تلاش او نتیجه بخش نبود؛ چون اصولاً به اعتقاد من «ملف علاقه ایران و مصر» در اختیار وزارت امور خارجه مصر نبوده و نیست بلکه در دست رئیس اداره الامن العالم و آقای عمر سلیمان است؛ (بعد از او هم به وراث او واگذار شده است)...

هیکل سری تکان داد و گفت: حق با شما است، اینها برای جلب رضایت دیگران، علاقه ای به ایجاد روابط سیاسی با ایران ندارند، در صورتی که این روابط نه تنها به نفع هر دو کشور، بلکه به نفع جهان عرب است...

۳- در دیدار سوم - و آخر - من تلفنی به مسئول دفتر هیکل گفتم که برای گفتگوی سیاسی و «نقاش» درباره کتاب او - مدافع آیت الله - می خواهم بیایم و وقت «محدود» را هم نمی پذیرم!

ساعتی بعد او زنگ زد و روزی را برای دیدار و «نقاش» معین کرد و من کتاب در دست به سراغ هیکل رفتم...

با احترام و ادب به استقبال آمد... در اطاق کار او در کاخ مجللی با کتابخانه معظمی که داشت به صحبت نشستیم. سیگار کوبایی همچنان در دشتش بود. من گفتم استاد حتماً آمادگی «نقاش» را دارید و من هم «بصراحهٔ» می خواهم چند موضوع را مطرح کنم؟ («بصراحهٔ» عنوان ۷۰۰ مقاله او در طول دوران روزنامه نگاری در الاهرام بود که بعدها در ۵ مجلد قطور در قاهره به چاپ رسید.)

هیکل با فروتنی خاصی گفت: با کمال میل! آماده ام و همانطور که دو آیت الله بزرگ ایران به حرف های من گوش فرا دادند و پاسخ دادند، من وظیفه خود می دانم که در خدمت «تلمیذ» آن دو آیت الله باشم و به پرسش های «تلمیذ» ارجمند آن دو آیت الله پاسخ بدهم.

... با صراحت از دوره دیکتاتوری ناصری انتقاد کردم و از اینکه با افسانه «القومیه العربیة» جهان اسلام را از اعراب دور کردند، سخن گفتم... به ماجرای سرکوب اخوان و اعدام رهبری آن در آن دوران پرداختم و آن را ظلمی نابخشودنی نامیدم... به کامپ دیوید رسیدیم و گفتم که قبول طرح راجرز از سوی رئیس عبدالناصر خود مقدمه ای برای کمپ دیوید بود... و در جنگ بی برنامه با اسرائیل - که قرار بود یهود را به دریا بریزند - این سربازان مصری بودند که به دریا ریخته شدند... و گفتم من به عنوان پژوهشگر تاریخ می پرسم که پس از نابودی هواپیماها و ویرانی فرودگاه های مصر، چرا به ارتش و نیروهای موجود در صحرای سینا و مرز فلسطین اشغالی، دستور حمله به داخل خاک فلسطین ندادند؟ و چه کسی دستور عقب نشینی این نیروها را صادر کرد و من در فیلمی که تلویزیون قاهره آن را پخش می کرد، دیدم که نیروهای مصری، سوار بر قایق و بلم و کشتی های کوچک در کانال سوئز عقب‌نشینی می کنند و بر هر یک از آنها ده ها سرباز سوار بردند که با یک بمب و یا موشک کوچک هواپیماهای صهیونیستی به قعر آب فرو می رفتند... و نیروهای صحرای سینا - اعم از تانک و توپخانه و نفربر و غیره - هم که بدون پشتیبانی هوایی در صحرا مانده بودند، توسط هواپیماها و نیروهای اسرائیل به آتش کشیده شدند و... که اگر به این نیروها دستور حمله و ورود به خاک فلسطین اشغالی داده می شد، به یقین قسمت های وسیعی از اراضی اشغالی را تصرف می کردند و اگر هم کشته می شدند، لاقل به نیروهای دشمن هم خسارت زیادی وارد می شد، ولی ناگهان دستور عقب نشینی صادر شد و بقیه ماجرا را شما بهتر از من می دانید...

هیکل پس از تحمل سخنان، «بصراحهٔ» من به پاسخگویی پرداخت که پاسخ های توجیهی او مرا قانع نکرد... و شاید در شرح خاطرات مربوط به مصر بیاورم.

مصری ها، سنی المذهب شیعی الهوی
در ادامه این گفتگوی تند سیاسی، از موضوع سیاست

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الواقف علی الضمائر و النیات المطلع علی السرائر و الخفیات و الصلوة و السليم علی خیر خلقه محمد صاحب المعجزات الباهرات و آله المعصومین .

اگر بخواهیم به پیشینه ی وقف عمیق بنگریم باید روزهای آغازین هبوط حضرت آدم / علیه السلام / را به این کره ی خاکی مرور کرده، آن گاه روزهایی که فرزندان آدم روز بروز زیاد و زیاد تر شده را بخاطر آوریم.آن گاه که به حکم آیه شریفه : «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ...» ۱ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید.

گروهی و قبیله ای برای شناسایی متقابل و تأمین مایحتاج حیات و قوت لایموت روزمره ی خود، از مکانی به مکان دیگر هجرت و یا به سفرهای طولانی مدت می پرداختند.

آن چه در کتب تاریخ ثبت و ضبط شده این که حق تعالی توسط فرشتگان وحی مانند حضرت جبرئیل / علیه السلام / و...نحوه ی زراعت و کشت و کار و...را به فرستاده ی خود حضرت آدم / علیه السلام / آموخته و این رویه نسل به نسل منتقل شده است.

اما این که وقف چگونه پدید آمده و از چه زمانی شکل گرفته است بصراحت نمی توان در متون تاریخ به نکته ای خاص اشاره نمود بلکه باید از مفاهیم وقایع آن دوران اعمالی که با هدف و نیت وقف منطبق است استفاده نمود.

البته باید گفت تا کنون صاحب نظران فرهیخته، مقالات و نشریات و کتب بسیار در باره ی وقف به رشته ی تحریر درآورده اند که بالغ بر بیست کتاب و مقاله را مطالعه و مورد مذاقه قرار گرفته و در هیچ یک از آنها آن چه بدان خواهیم پرداخت اشاره نشده است .

آری! نگارنده ی این سطور در این مقاله سعی دارد در حد وسع و توان با مراجعه به قرآن و حدیث و...، نگاهی کوتاه و گذرا به پیشینه ی وقف در قرآن داشته ، آن را استنباط و به طور اختصار بدان اشاره نمایم.تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. والله مستعان.

مهدی قربانی

مشهد الرضا / علیه السلام / ۱۳۹۵

تعریف وقف در قرآن:

آن چه تا کنون در مقالات منتشر شده تحت عنوان / وقف در قرآن / آمده است ناظر به آیاتی است که خیرات و احسان و نیکوکاری و... را مورد تاکید قرار می دهد از جمله آیه ی شریفه : «... فَاسْتَقْبُوا الْخَيْرَاتِ ...» ۲ که به تفاسیر مختلف ارجاع داده شده است.۳

اگر بخواهیم معنی وقف را در قرآن کریم مورد مذاقه قرار دهیم باید در این آیات تأمل نمود که حق تعالی می فرماید:

« ... إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ ... » ۴ بازداشتن در برابر آتش، «... إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ ...» ۵ بازداشتن در برابر پروردگار ، یا به عبارتی متوقف کردن در برابر آتش و متوقف کردن در برابر خداوند. معنی «وقفوا» فی معجم المعانی الجامع / معجم عربی عربی / = وقف؛ سکن بعد مشی وحرکت ؛ حُبوبا.

آری ! بر این اساس است که گفته اند: وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است. و در اصطلاح فقهی، نگهداشتن و حبس کردن عین ملک است و مصرف کردن منافع آن در راه خدا. برخی از فقها گویند وقف حبس عین است بر ملک خدای تعالی. شیخ ابوالقاسم نجم‌الدین محقق حلی، (متوفای ۶۷۶ هـ.ق) در کتاب شرایع الاسلام در تعریف وقف چنین می‌گوید: «الوقف عقد ثمرته تجبیس الاصل و اطلاق

نگاهی به وقف از منظری نوین

انتفاع- باشیم.

البته اگر بخواهیم به انگیزه هایی که موجب می شود برخی از انسانها با علم و اختیار اقدام به وقف اموال خود می نمایند بپردازیم؛ شرح آن در این مقال نمی گنجد، اما اشاره به دو مورد از آن خالی از لطف نخواهد بود:

الف - بیم از عملکرد وراث بعد از مرگ: چرا که، کسی که فرصت نیافته و یا تعلل ورزیده و نیات خدایی و انسان دوستانه و خیرخواهانه خویش را در حال حیات دنبال ننموده و جامه عمل به آن نمی‌پوشاند و حتی برای بعد از مرگ نیز وصیت به آن نمی‌نماید، در حقیقت اختیار و فرصت از کف خود بیرون برده و در دستان ورثه نهاده است و بعد از مرگ او اختیار را آنان به دست دارند، و این چرخه همچنان در گردش است. «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا يَبِينُ النَّاسُ» ۱۸ پس اگر وارثی متنبه بود و به عاقبت امور اندیشیده و قصد احسان در حق مورث خویش داشت توفیق با وارث و مورث یارگشته است و اگر نخواست گر ملامتی است ابتدا بر آن باید که به فکر عاقبت خویش نبود و در برابر اندرزاها شنوایی نداشته و به جای پیش رو نگاهش را بر پشت سرخویش دوخته و رفته است. و العاقبة للمتقين.

ب - روحیه بجا گذاشتن نام نیک : یکی از مواردی که برای پیروان شریعت محمدی و طریقت مرتضوی، بعضاً انگیزه ایجاد می کند، این که بعد از مرگ از خود نام نیک بجا گذاشته باشند و فرمان مولای متقیان حضرت علی علیه السلام را لبیک گفته باشند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَ إِن كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ عَشِيرَتِهِ وَ دِفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ، وَ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حِطَّةً مِنْ وِرَائِهِ، وَ أَلْمُهُمْ لَشَعْنِهِ، وَ أَغْلَطُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ، وَ لِسَانُ الصِّدِّيقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ يُورَثُهُ غَيْرُهُ.» ۱۹ ای مردم، انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند، خویشاوندان انسان، بزرگترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند، و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند، و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پرعاطفه‌ترین مردم می‌باشند، نام نیکی که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری بردارد.

پی نوشت:

- ۱ - سوره حجرات : آیه ۱۳. (ترجمه فولادوند)
- ۲- بقره: ۱۴۸ .
- ۳ - بنگرید مقاله «وقف در قرآن» خانم زهره نوروزی ۱۳/ دی ماه ۱۳۹۲ http://۲۹vaghfcheshmejari.blogfa.com/post
- ۴- انعام: ۲۷
- ۵- انعام: ۳۰
- ۶- شرایع الاسلام، چاپ نجف، ج ۲، ص ۲۱۱.
- ۷- سلیمی فر، ۱۳۷۰، ص ۱۲.
- ۸- قصص: ۲۳- ترجمه فولادوند.
- ۹- بنگرید : الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۰؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۶، - معجم البلدان، ج ۵، ص ۷۷ -التفسیر الکبیر، ج ۱۸، ص ۴۰؛ المیزان، ج ۱۰، ص ۳۶۱. / واژه مذین ۱۰ بار در قرآن آمده است/ «مذین»-شهری در جنوب شام و شمال حجاز، و نزدیک تبوک است که در آن زمان از قلمرو حکومت فرعون، بیرون بوده است.
- ۱۰- یوسف ۱۰۰ - ترجمه فولادوند.
- ۱۱- حج : ۴۵ - ترجمه فولادوند.
- ۱۲- بنگرید : قنات قصبه گناباد یک اسطوره نوشته دکتر پاپلی یزدی،فصل دوم.
- ۱۳- شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ص ۱۰۵، مطبعة حیدریة، نجف، چاپ اول، بی‌تا.
- ۱۴- کتاب الخصال ، ج ۱، ص ۳۲۳ و بحار، ج ۶، ص ۲۹۳ - ۲۹۴ و ثلثی الاخبار ، ج ۴ ، ص ۲۶۹.
- ۱۵- مستدرک الوسائل / ۱۳ / ۴۶۰ / ۱۵۸۹۲ .
- ۱۶- البحار : ۹۶ / ۱۷۳ / ۱۳ .
- ۱۷- البحار : ۹۶ / ۱۷۲ / ۸ .
- ۱۸- سوره آل عمران : آیه ۱۴۰.
- ۱۹- فرازی از نهج البلاغه: خطبه ۲۳.

پرفروغ هدایت گر اقتشار مختلف بوده با نیات و اهداف خیرخواهانه و...، یا بیم انقراض نسل و غارت اموال توسط غارتگران و راهزنان و حاکمان ظلم و جور ...، کلام پیامبر اسلام(ص) را که فرمودند:« إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ وَ عَلِمٌ يَنْتَفِعُ بِهِ بَعْدَهُ وَ صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ» الکو قرار می دادند بدین معنی : «وقتی فرزند آدم بمیرد، عمل و کردارش منقطع می‌شود، مگر سه کار؛ ۱. فرزند صالحی داشته باشد که برایش دعا و استغفار نماید.

۲. کتاب و دانشی از خود بجا بگذارد که دیگران از آن استفاده ببرند.

۳. «صدقه جاریه»۱۳ یعنی کارهای خیر عام المنفعتی مانند ساختن مدرسه، مسجد، پل ، راه و...، انجام داده باشد که پس از مرگش باقی باشد و مورد استفاده مردم قرار گیرد».

شرح و تفسیر کامل تر و روشن تر این حدیث شریف را باید در کلام امام صادق (ع) مرور کرد که فرمودند: سَتُ خَصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ : «وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَفْعِلُ لَهُ ، وَ مُصْحَفٌ يَقْرَأُ فِيهِ ، وَ قَلِيبٌ يَحْفَرُهُ ، وَ غَرَسٌ يُعْرِسُهُ ، وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يَجْرِيهِ ، وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ» ۱۴. پس از مرگ ، شش چیز سبب رفاه حال مؤمن می‌شود :

- ۱ - فرزندان صالحی که با اعمال نیک خویش ، آموزش پدر را می‌طلبند.
- ۲ - قرآنی که تلاوتش می‌کرد.
- ۳ - حفر چاه
- ۴ - درختکاری
- ۵ - کشیدن نهر
- ۶ - برجای گذاشتن سنت و روش پسندیده موارد یاد شده در روایات مذکور را می‌توان به صورت زیر بیان کرد :

الف - آثار نیک بر جا مانده از خویش :

- ۱ - سنت و روش پسندیده‌ای از خود به یادگار گذارد که پس از مرگش بدان عمل شود.
- ۲ - فرزندان صالحی تربیت کند که با کردار نیک خویش به جامعه انسانی خدمت کنند.
- ۳ - کارهای نیکی در زمان حیات انجام دهد که اثرات آن پابرجا باشد؛ مانند : ساختن مسجد ، احداث مدرسه ، حفرچاه و کاشتن درخت و

ب : کارهای خیر بازماندگان .

و آن چه بصراحت صدقه محسوب می شود این که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزِيعُ زَرْعًا ، فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ ، إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» ۱۵ هر مسلمانی درختی بنشاند، یا کشته ای بکارد و انسانی یا پرنده ای یا حیوانی از محصول آن بخورد، برای وی صدقه محسوب شود .

بعد از ارتحال و شهادت حضرت رسول اکرم /صلی الله علیه و آله/ جانشینان ایشان ائمه اطهار /علیهم السلام /با نقل احادیثی چند سنت حسنه صدقه و امور عام المنفعه را هم چنان در قالب احادیث و روایات به مردم عرضه می داشتند از جمله : حضرت امام باقر/ علیه السلام : / «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُبْذَلُ بِه يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَقَةُ الْمَاءِ» ۱۶ نخستین چیزی که در روز قیامت به آن رسیدگی می شود (ثواب) صدقه آب (دادن به تشنه) است .

توجه و اعتقاد قلبی مؤمنین و دلداگان به کلام ائمه هدی علیهم السلام از جمله حدیثی که حضرت صادق/ علیه السلام/فرمودند: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِِبْرَاءُ الْكَيْدِ الْخَرِی، وَمَنْ سَقَى كَيْدًا خَرِی مِنْ نَهْمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظْلَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ» ۱۷ بهترین صدقه خنک کردن جگر تفتیده است. هر که جگر تفتیده حیوانی یا جز آن را سیراب کند خداوند عزوجل او را ، در آن روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست، سایه دهد .

آری ! تأسی به این حدیث شریف است که موجب گردیده امروز شاهد موارد مختلفی از نوع -وقف منفعت- وقف درختان میوه دار مانند گردو و امثالهم، و یادرختان سایه دار مانند: درخت چنار و بید و...- وقف

المنفعة». «وقف عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است (تسبیل منافع یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است).» ۱۶ مرحوم شیخ طوسی می‌گوید: تسبیل یعنی در راه خدا قرار دادن، و دلیلشان این سخن نبی اکرم /صلی الله علیه و آله/ است که فرمود: «حبس الاصل و سبل المنفعة» ۱۷ ؛ اصل را حبس کن و منافعی را در راه خدا آزاد نما.

مفاهیم محتوایی وقف در قرآن :

با تأمل در قصص و مفاهیم قرآنی به نکاتی چند برخورد می کنیم که نوعی وقف را استنباط می کند بدون این که قصد و نیت خود را بر زبان آورده و یا وقف نامه نوشته باشد. آن چه مسلم و مشهود است وقتی گروه های از مردم برای کسب تجارت و...ناچار بودند از مکانی به مکانی و از منطقه ای به منطقه ای دور دست سفر، یا هجرت نمایند، طبعاً بصورت گروه های دسته جمعی در قالب کاروان حرکت می کردند. ابتدا در بین راه ها برای استراحت و...، در کنار آبگیرهای طبیعی که از باران های فصلی ایجاد می شود اطراق کرده و آب مورد نیاز را برای خود واحشام از قبیل اسب و استر و شتر و .. تأمین و خستگی را برطرف و تجدید قوا می نمودند.

قوله تعالى: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أُولَاؤُنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» ۱۸ و چون به آب مدین ۹ رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب می‌دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند. [موسی] گفت: «منظورتان [از این کار] چیست؟» گفتند: «[ما به گوسفندان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است.»

این امر هم چنان ادامه داشته تا زمانی که مردم با هدف عام و نیت فی سبیل الله برای تأمین آب در جاهایی که برگه ها و آبگیرهای طبیعی وجود نداشته، به فکر حفر چاه افتاده اند و در طول مسیر راه ها ویا در داخل روستاهای خود اقدام به حفر چاه می نمودند. شاید اگر بخواهیم پیشینه و یا تاریخ اولین چاه را بدانیم، ناگزیر باید به این آیات شریفه توجه کنیم: «قَالَ قَاتِلُ الْمُئْمِنِمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ الْقُوَّةُ فِي غِيَابِئ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» ۱۰ گوینده‌ای از میان آنان گفت: «یوسف را مکشید. اگر کاری می‌کنید، او را در نهانخانه چاه بیفکنید، تا برخی از مسافران او را برگزینند.»

«فَكَائِنٌ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بُثْرَ مَعْطَلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيد» ۱۱ و چه بسیار شهرها را -که ستمکار بودند- هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها] سقف هایش فرو ریخته است، و [چه بسیار] چاه های متروک و کوشک های افراشته را.

آن چه از مفاهیم این آیات استنباط می شود این که افرادی با نیت خیرخواهانه و عام المنفعه و به عنوان صدقه ی جاریه در بین راه های آن زمان در دوران پیامبران الهی اقدام به حفر چاه برای تأمین آب کاروانیان می نموده اند که این امر مستندی بر اولین چاه های عام المنفعه را تداعی می نماید.

رفته رفته این روند ادامه داشته تا این که به حکایت تاریخ در دوره هخامنشیان حفر قنات مرسوم شده است. قنات قصبه بزرگ ترین و قدیمی ترین قنات جهان مربوط به ۲۷۰۰ سال پیش و تنها اثر پیشنهاده شده خراسان به سازمان جهانی یونسکو برای ثبت است که در گناباد قرار دارد. قنات قصبه بنایی تاریخی، گردشگری و مفید برای کشاورزی است که در سال ۱۳۷۹ توسط سازمان میراث فرهنگی با شماره ۲۹۶۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت ، و به شماره ۵۲۰۷ نیز در سازمان یونسکو به ثبت رسیده است.۱۲

وقف در حدیث:

بعد از ظهوراسلام ، مردم با تأسی به سخنان کُهر بار اهل بیت علیهم السلام که هم چون چراغی

بازتاب «حکم قاطع رهبر انقلاب علیه اهانت به زوجات پیامبر» در رسانه‌های عرب زبان

سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب در مورد لزوم احترام به زوجات پیامبر اکرم (ص) با استقبال گسترده رسانه های عربی مواجه شده است.

حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار با دست اندرکاران همایش صدف کوثر -تکریم حضرت خدیجه فرموده بودند: «تعریض به سایر زوجات مطهرات پیغمبر نیابستی باشد. بالاخره زوجات پیغمبر محترمند؛ هر کسی به اینها اهانت کند - هر کدامشان باشد- به پیغمبر اهانت کرده؛ این را من قاطعا عرض میکنم».

ایشان در ادامه تصریح کردند: «امیر المومنین با جناب عایشه آن رفتار را کرد. با زنی که به جنگ او آمده این جور با احترام رفتار کرد. به خاطر اینکه همسر پیغمبر بود و الا امیر المومنین که از کسی ملاحظه ندارد. بنابراین حتما تعریض بایستی وجود نداشته باشد».

روزنامه الکترونیکی رای الیوم با اشاره به تاکید مجدد

رهبر ایران بر لزوم تعدی نکردن به همسران پیغمبر، نوشت: رهبرانقلاب اسلامی ایران، سید علی خامنه ای بار دیگر به شکل قاطع بر حرمت توهین به هریک از همسران پیامبر اکرم (ص) تاکید کرد. این روزنامه همچنین یادآور می‌شود که رهبر معظم انقلاب در سال ۲۰۱۰ در فتوایی تحریم توهین به عایشه، همسر پیامبر و سایر بزرگان اهل سنت و جماعت را اعلام کرد.

پایگاه خبری شبکه ماهواره ای المیادین نیز با پوشش اظهارات روشننگرانه حضرت آیت الله خامنه ای، تاکید کرد: رهبر ایران بار دیگر حرام بودن توهین به زوجات پیامبر را اعلام و تصریح کرد که اهانت به هر کدام از آنها اهانت به پیامبر اکرم (ص) است. این پایگاه خبری لبنانی در ادامه سخنان رهبر انقلاب را در مورد نحوه برخورد امیرالمونین (ع) با عایشه ذکر کرد. خبرگزاری لبنانی آسیا نیوز خبرگزاری دیگری بود که این خبر را بازتاب داد.

اظهارات رهبر انقلاب همچنین در سایر خبرگزاری‌های کشورهای عربی مورد استقبال قرار گرفت. خبرگزاری فلسطینی دنیا الوطن و خبرگزاری اردنی المقر نیز با تیترو: «هرکس به عایشه توهین کند به پیامبر توهین کرده است.» اظهارات حضرت آیت الله خامنه ای را پوشش دادند.

خبرگزاری الیوم السابع مصر که از معتبرترین خبرگزاری‌های این کشور است سخنان رهبری در مورد تحریم اهانت به همسران پیامبر اکرم (ص) را بازتاب داده و تاکید کرد که این اولین باری نیست که رهبر ایران سخنانی را در این خصوص مطرح می‌کند و پیش از این نیز فتوایی در تحریم اهانت به نمادهای اهل تسنن صادر کرده بود.

پایگاه خبری اخبار الیوم یمن و صحیفه المرصد نیز موضع گیری دوباره رهبر انقلاب در مورد همسران پیامبر را بازتاب دادند. در عراق اما پایگاه‌های خبری مختلفی به نشر اظهارات رهبر انقلاب پرداختند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به خبرگزاری براثا اشاره کرد. این خبرگزاری نوشت: رهبر انقلاب بار دیگر در راستای مقابله با تندروی بر تحریم هرگونه بی احترامی به زنان پیامبر (ص) تاکید کرد.

اما جالب اینجاست که اظهارات حضرت آیت الله خامنه ای که می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش تنش‌ها در کشورهای عربی و اسلامی داشته باشد از سوی برخی پایگاه‌های خبری جهان عرب بایکوت یا مهندسی شد. خبرگزاری‌هایی مانند العربیه، الجزیره، القدس العربی و... که اقدامات بسیاری را برای برهم زدن یکپارچگی جهان اسلام انجام داده اند، ترجیح دادند با وجود انعکاس اظهارات رهبر انقلاب اسلامی ایران در بسیاری از رسانه‌های جهان عرب از نشر آن امتناع کنند و به نوعی این خبر را بایکوت کنند که اقدام سوال برانگیزی می‌تواند باشد. برخی خبرگزاری‌ها نیز سخنان رهبر انقلاب را به صورت مغرضانه پوشش دادند.

آیت الله تسخیری:

عربستان لایق خادم الحرمینی نیست

بین وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی مطرح کرده و خواستار جلوگیری از ادامه این رفتارها شدم.

وی در پاسخ به این پرسش که چه اقداماتی برای احقاق حقوق شهدای فاجعه منا از سوی مسئولان انجام گرفته است؟ گفت: چندی قبل حجت‌الاسلام والمسلمین پورمحمدی وزیر دادگستری اعلام کرد که ما در حال فراهم آوردن ارسال شکایت به دادگاه لاهه هستیم که امیدواریم این مهم به نتیجه مطلوبی برسد و حقوق شهدای منا با محکومیت رژیم سعودی ستانده شود.

این عضو مجلس خبرگان رهبری درباره اقدامات وزارت امور خارجه کشورمان خاطرنشان کرد: وزارت خارجه اصلی‌ترین نهاد پیگیری برای فاجعه منا است و باید صدای مظلومیت شهدای فاجعه منا را به جهانیان و دادگاه‌های بین‌المللی برساند؛ وزارت امور خارجه اقداماتی انجام داده اما این اقدامها هنوز به شکل منظم و قوی نبوده است.

مشاور مقام معظم رهبری در امور فرهنگی جهان اسلام ضمن انقاد از عملکرد عربستان سعودی برای حج تمتع ۹۵ متذکر شد: امسال عربستان سعودی «سد عن سبیل الله» انجام

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی خواستار شد؛

تدوین کتاب جامع پدیده تکفیری و شناسایی جریانهای تکفیر در جهان معاصر

تقریبی خاطرنشان کرد: پژوهشکده تقریبی در چنین شرایطی وظیفه خود می‌داند در راستای تنویر افکار جامعه به ویژه نسل های جوان قدم های اساسی بردارد که برگزاری این همایش های علمی و ایجاد بسترهای لازم برای بهره گیری از توان همه حوزه ها علمی و پژوهشی از جمله این اقدامات است.

حجت الاسلام مختاری افزود: این همایش ها می تواند یک پشتوانه نظری و فکری قوی از کتاب و سنت را به جامعه اسلامی انتقال دهد.

وی خاطرنشان کرد: حدود ۱۰۰ رساله و پایان نامه به دبیرخانه سومین همایش آثار و پایان نامه ها تقریبی رسیده است و امروز از ۱۰ اثر برگزیده در سه گروه تقدیر می شود. دکتر مختاری افزود: این پایان نامه در ۲ تا ۳ مرحله مورد ارزیابی قرار گرفت و با توجه به معیارهای مورد نظر شامل، نوآوری، ایجاد وحدت و انسجام، کیفیت ساختار اثر، چگونگی تنظیم و ترتیب منطقی مباحث و غیره انتخاب شده اند.

دبیر سومین همایش بین المللی تقدیر از آثار و پایان نامه های تقریبی در بخشی دیگر از سخنان خود به



آغاز پروژه تدوین کتاب جامع پدیده تکفیر و شناسایی جریانات تکفیری در جهان معاصر اشاره کرد و گفت: از همه توانمندی های نخبگان حوزه های علمیه اهل سنت و اهل تشیع و مراکز دانشگاهی برای تدوین این طرح جامع استفاده خواهیم کرد.

حجت الاسلام والمسلمی مختاری همچنین از آماده شدن منبع مهمی در قالب ۲۰ جلد از احادیث مشترک بین تشیع و تسنن در موضوعات مختلف خبرداد که می تواند منبع کاملی در حوزه تقریب و بستری برای ایجاد وحدت و انسجام بیش از پیش بین مسلمانان باشد. وی با بیان اینکه به توصیه دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب کار جدیدی با عنوان پدیده تکفیری و شناسایی جریان های تکفیر در جهان معاصر را آغاز کرده ایم گفت: برای انجام این مهم باید از تمام ظرفیت ها و توانمندی های حوزه و دانشگاه استفاده خواهیم کرد.

حجت الاسلام مختاری افزود: در حوزه آینده پژوهشی برای مقابله با پدیده تکفیری در مذاهب مختلف کتاب جامع اطراف در حال تدوین است که تاکنون ۶۲ جلد از آن آماده شده است.

سلسله نشست های نقد جریان های تکفیری با حضور حجت الاسلام والمسلمین زمانی

معاون بین الملل حوزه علمیه گفت : پدیده تکفیر از دو ناحیه متفاوت و بی سابقه است: ۱- از نظر تاریخ جنگ های بین مسلمانان جنگ درون امت سابقه به این گستردگی و بی رحمی گزارش نشده است.

۲- در مقایسه با ادیان دیگر در هیچ دینی نیز اینقدر کشتار با این ویژگی ها وجود ندارد.

حجت الاسلام والمسلمین زمانی با اشاره به جریان های تشکیل دهنده داعش گفت : داعش متشکل از سه جریان تکفیری و یک جریان غیر تکفیری است. تکفیر عقیدتی ، تکفیر سیاسی ، تکفیر فکری و جریان سنی های ناراضی

وی تصریح کرد : در مواجهه های علمی با علمای وهابیت دانش فقهی و تسلط بر احادیث قوی بسیار مهم و ضروری است .

آقای زمانی ضمن بیان خاطره ای از دیدار با دکتر احمد الطیب گفت : از دکتر طیب در مجلس العلمای اندونزی سوال شد که چرا فتوا به کفر شیعیان نمی دهید با اینکه می بینید آنها به صب و لعن خلفا و صحابه می پردازند؛ دکتر طیب در جواب آنها گفت : شیعیان و مذهب تشیع سب نمی کنند و لعن موجب کفر و خروج از دین



هم اندیشی و جلسه افاق فکر نقد تکفیر و جریان های تکفیری با حضور و ارائه بحث توسط استاد حوزه و دانشگاه حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن زمانی و با حضور حجت الاسلام والمسلمین مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی و حجت الاسلام والمسلمین گلزاده معاون پژوهشی پژوهشگاه،

مدیران گروه های پژوهشی و محققین پژوهشگاه مطالعات تقریبی در محل دفتر معاونت پژوهشی برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن زمانی ضمن تبیین سلسله مباحثی از پدیده تکفیر و جریان های تکفیری با اشاره به اولویت بندی در نقد وهابیت گفت : اول باید بیماری را کشف کرد یعنی اینکه تکفیری ها با چه استدلالی به تکفیر می پردازند. پس از کشف این موضوع باید به درمان این معضل بپردازیم.

وی دو راه اصلی برای کشف بیماری تکفیری ها برشمرد و افزود : دو راه اصلی برای کشف بیماری تکفیری ها وجود دارد ۱- جمع آوری تبلیغات رسانه ای داعش ۲- صحبت با عناصر دستگیر شده داعش و واکاوی انحرافات درونی آنها

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۳۱۴۲۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشر به بهشت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

باز هم یادی
از آیت الله شب زنده دار

احمد باقریان جهرمی

مرحوم آیت الله حاج

شیخ حسین شب زنده دار

(قدس سره) از حسانت دهر

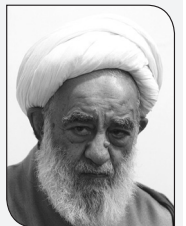
بود. آن بزرگوار اسوه اخلاق

اسلامی محسوب می گردید.

طبق وعده ای که به سردبیر

محترم بهشت در شهریور ماه

۹۴ داده ام، مطالبی درباره



فضائل معظم له قلمی می گردد.

آن مرحوم نسبت به اساتید بزرگوار خویش نهایت احترام را داشت. به عنوان نمونه از مرحوم آیت الله سید ابراهیم حق شناس با عنوان «استاد عزیزتر از جانم» تعبیر می فرمودند.

روزی در بیت شریف آن مرد خدا - نمی دانم به چه مناسبتی - صحبت از فضائل آیت الله سید هادی خسروشاهی دامت برکاته به میان آمد. استاد فرمود که: اینجانب و آقای خسروشاهی مقیم مدرسه حجتیه بودیم. هر کس کتابی را از استاد خسروشاهی به امانت می خواست، معظم له می فرمود مثلاً برای یک هفته کتاب را به امانت می دهم و اگر کسی نیاز مجدد به کتاب داشت، باید در وقت مقرر موعد آن را تمدید کند. ایشان اضافه می فرمودند: که منظور استاد مضایقه نبود، بلکه می خواستند نظمی در کار باشد و از این مطلب تجلیل می نمودند.

در چند سال آخر عمر مرحوم آیت الله سید عبدالرسول شریعتمداری جهرمی (نوه دختری آیت الله العظمی سید عبدالحسین لاری) که آن بزرگوار دچار کسالت و خانه نشین بودند، مرحوم آیت الله شب زنده دار هر روز صبح به مدت یک ساعت به دیدن معظم له می رفتند و در اواخر به یک روز در میان تقلیل یافت. یک روز صبح که خدمت مرحوم آیت الله شب زنده دار مشرف بودم، چند دقیقه قبل از اجراء برنامه استاد از معظم له درخواست کردم که تلفنی به تاکسی تلفنی بفرمایند تا بنده را به مقصد برساند. فرمودند که شرط آن پرداخت کرایه آن توسط من است. از منزل معظم له بیرون آمده و منتظر رسیدن تاکسی تلفنی بودم که آیت الله دکتر احمد بهشتی نیز که از کوچه عبور می کردند، با دیدن بنده ایستادند و از علت توقف نگارنده سؤال کردند؟ بنده جریان آیت الله شب زنده دار و مرحوم آیت الله شریعتمداری جهرمی را برای معظم له بیان کردم و هنوز طین صدای - به به چه صفاتی - که ایشان دوبار تکرار فرمودند - در گوشم هست.

کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی

نشانی: پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای

بلوار سلمان فارسی، خیابان شهید

مخلص، خیابان دوم

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۸۰۷۵۵۶

حجت الاسلام والمسلمین نواب:

آیت الله سیستانی با فکر و نگاه روشن در دنیا حرکت می کند



آیت الله سیستانی به کتاب، منابع، همه شخصیت ها و افکار چه داخلی و چه خارجی دسترسی دارد. ایشان می دانند غربی ها راجع به خود ایشان و عراق چطور فکر می کنند و حتی نسبت به نمایندگان سازمان ملل در عراق و اقداماتی که انجام می دهند آشنایی دارند که همه این موارد باعث می شود آیت الله

سیستانی با یک فکر و نگاه روشن در دنیا حرکت کند. ایشان بدون داشتن تشکیلات عریض و طویل و فقط با تکیه به حجم مطالعات، دانش و بینش شخصی توانسته معرکه عراق را در طول این سالین بعد از صدام به خوبی هدایت و رهبری کند و اداره عراق واقعا در این سال ها یکی از بزرگترین مشکلات بود و ایشان به خاطر آن روح آرام، معتدل و حکیمانه و نگاه عقلایی که به مسایل دارند توانستند از افراط و تفریط جلوگیری کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن نواب در گفت و گو با شفقنا در خصوص سلوک سیاسی آیت الله سیستانی اظهار کرد: حجم مطالعه آیت الله سیستانی فوق العاده است. زمانی که حضرت امام خمینی(ره) در نجف بودند بعضی از کتاب ها را می خواندند و یک گزارشی را به حضرت امام می دادند. حتی خودشان گفتند من کتاب بنی صدر را قبل از انقلاب خوانده بودم و به امام توضیح دادم که این فرد چگونه روشی دارد. آیت الله سیستانی در همه زمینه ها مطالعات وسیع و گسترده ای دارد و به همین دلیل هم خیلی روشن حرکت می کند.

او ادامه داد: کسی نباید فکر کند آیت الله سیستانی در یک خانه کوچک در کوچه ای در چهار راه رسول زندگی می کند و به چیزی دسترسی ندارند بلکه آیت

نواب با بیان اینکه آیت الله سیستانی تعامل فوق العاده

خطبه نماز جمعه بحرین مانند خطبه‌های شیخ محمد

صنقور در مسجد امام صادق (ع) منطقه الدراز یک خطبه سیاسی معتدل است. شیخ صنقور در خطبه‌ها به صورت کاملاً معتدل و مبتنی بر واقعیت‌ها به نقد فضای سیاسی و مشکلات موجود کشور می‌پردازد برای همین بسیار سخت است که مأموران حکومتی بتوانند به بهانه سخنان و یا خطبه‌های نماز جمعه این عالم بحرینی را بازداشت و یا تحت پیگرد قرار دهند اما به هر حال حکومت با اتهامه زنی به علما، به دنبال تعطیلی نماز جمعه است اما مردم و نمازگزاران بارها حمایت خود را از خطبه‌های سیاسی شیخ صنقور اعلام کردند و بسیار سخت است که نظام بتواند نماز جمعه را تعطیل کند. همانگونه که نظام آل خلیفه مجلس علمای اسلامی بحرین را تعطیل کرد اما فعالیت دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علما نه تنها متوقف نشد بلکه افزایش هم یافت، اگر حکومت بتواند یک یا دو نماز جمعه را هم تعطیل کند ولی در عمل چندین نماز جمعه در شهرهای مختلف برگزار خواهد شد زیرا نماز جمعه به عنوان نماد مقاومت و پایداری مردم بحرین مطرح بوده است.

حاکم بحرین چندی قبل سفری به مصر داشت و رسماً اعلام کرد که مبلغی به عنوان ساخت موسسه‌های دینی به الازهر پرداخت می‌کند اما از آن طرف مساجد را تخریب

معرفی کتاب بیداری اسلامی در بحرین



نامیدند و ماهیت آن را دموکراسی خواهی می دانستند و گروه دیگر آن را پاییز امپریالیسم می خواندند و ماهیت این انقلاب را مبارزه با سرمایه داری می دانستند. اما در واقع بیداری اسلامی ترکیبی از خواسته ای اسلام خواهی، عدالت خواهی، استقلال خواهی و دموکراسی خواهی بوده است.

بی تردید نهضت مردم مظلوم بحرین نیز ماهیتی ضد استبدادی، ضد استکباری و اسلام خواهی داشته است. انقلاب مردم بحرین علیه نظام این کشور از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ شروع شد و با وجود سرکوب‌های نظام داخلی و حمایت های بین همچنان به راه خود ادامه می‌دهد. وجود اکثریت شیعی در این کشور باعث شد تا اترتجاع منطقه و نظام سلطه جهانی تلاش کنند صدای این مردم بالخصوص در بحرین شنیده نشود. چرا که پیروزی مردم مظلوم بحرین نوید تاسیس سومین نظام سیاسی شیعه

خوبی با اهل سنت و اقلیت های دینی و مذهبی دارند تصریح کرد: آیت الله سیستانی معتقد است که باید اهل سنت را جان و تن خود بدانید. رهبران اهل سنت و مذاهب مختلف عراق که نزد او می روند حالت صداقت و پاکی ایشان را درک می کنند. حتی زمانی که از طریق مجمع جهانی اهل بیت(ع) به دیدارشان رفته بودیم به ما ایراد گرفتند که نسبت به اهل سنت درست رفتار نمی کنیم. آیت الله سیستانی به بعضی از رفتارهای ما در ایران انتقاد داشتند چون رفتار خودشان بسیار عاقلانه و صادقانه است و این صداقت در رفتار و گفتار باعث شده که ایشان در چشم و دل مسیحیان، کلدانی ها، ایزدی ها، اهل سنت و کردها یک عنصر صادق، عاقل آرام و حکیمی به حساب آید و همه به رهبری او اعتراف کنند. در واقع رهبری آیت الله سیستانی در عراق مثل رهبری امام خمینی(ره) در ایران به طور طبیعی جا افتاد.

رییس دانشگاه ادیان و مذاهب در پایان و در رابطه با نگاه آیت الله سیستانی به حوزه سیاست خاطرنشان کرد: شرایط عراق مانند شرایط ایران نیست که بتوان ولایت فقیه و اینگونه مسایل را مطرح کرد. در عراق بر خلاف ایران اکثریت مطلق وجود ندارد و تنوع قومیتی که در عراق است در ایران نیست. بنابراین وجود این مسایل در عراق باعث شد که آیت الله سیستانی مشی نظارت را پیش بگیرند یعنی فقها را ناظر بر حکومت بدانند و با این نظارت کار را پیش ببرند.

عقده گشایی آل خلیفه از علما به دلیل شکست ائتلاف سعودی در منطقه است

می کند. سیاست‌های دوگانه حاکمیت بحرین را چطور ارزیابی می کنید؟

این سیاست یک امر جدیدی نیست. شما ببینید حاکم بحرین سال‌ها قبل یک باغ بزرگی را در اردن خرید و آن را به مردم اردن تقدیم کرد. من چند وقت قبل سفری به اردن داشتم در آنجا یک مکان تفریحی بزرگ دیدم که سرر آن عبارت «هدیه حکومت بحرین به مردم اردن» نصب شده بود. همین مساله در مصر هم تطبیق می کند. شما روزنامه‌های اردنی یا مصری را اگر ملاحظه کنید مشخصاً نوشته شده است که حاکمیت بحرین نیازمند نیروی کار در تمامی سطوح است تا به همگان نشان دهند در بحرین فرصت‌های شغلی فراوانی وجود داد در حالی که شرایط اقتصادی و بازار کار در بحرین بسیار نامناسب است.

شهروندان اصیل بحرین با بحران نبود شغل مواجه‌اند در حالیکه نظام آل خلیفه هر ساله تعداد قابل توجهی نیروی کار را از کشورهای دیگر وارد کرده و به آنان تابعیت می‌دهد. آل خلیفه در صدد است تا با این سیاست‌ها یک وجهه مناسب از خود در عرصه جهانی به نمایش بگذارد. اقتصاد نظام آل خلیفه از کمبود منابع مالی به شدت آسیب دیده است. حمد بن عیسی پادشاه بحرین به عربستان سفر می‌کند تا بتواند با کمک گرفتن از آل سعود به مشکلات داخلی خود رسیدگی کند.

بعد از ایران و عراق را در منطقه می داد و همین موجب واهمه ی حکام منطقه و اربابان آنها شده است. به طوری که در ۱۵ مارس همزمان با ورود وزیر دفاع آمریکا رابرت گیس نیروهای نظامی عربستان و پس از چند روز هم نیروهای اماراتی راهی بحرین شدند و روز خشن و خونینی را برای مردم معترض بحرین

ایجاد کردند.

مردم بحرین با آغاز انقلاب ۱۴ فوریه، با خشن ترین و شدیدترین سرکوب ها از سوی رژیم آل خلیفه مواجه شدند و حتی در اقدامی بر خلاف قوانین بین المللی، عربستان سعودی و امارات نظامیان خود را برای سرکوب مردم بحرین به این جزیره اعزام کردند.

این اثر به تبیین نهضت بیداری مردم بحرین و پیامدهای آن پرداخته است که امید است برای علاقه مندان به مطالعات جنبش های اسلامی مفید واقع شود.